

## طرح ایران برای مسئله افغانستان از هر جهت دانشکست کامل روبرو شده است!

ارائه آن وجود داشت، از سوی آقای میرحسین موسوی خامنه‌ای نخست وزیر و وزیر خارجه ارائه شد، باین ترتیب مشخص شد که با روحناحالی موسوی در مورد تهیه چنین طرحی توسط وزارت امور خارجه که او وزیرش بود (بدون اینکه در مورد محتوای طرح چیزی بگوید)، درست در هنگامی که موضوع معرفی نخست وزیر از طرف خامنه‌ای مسئله روز بود دقیقاً بقیه در صفحه ۱۵

با لاف زدن پس از آنکه وزارت خارجه ایران و شخص میرحسین موسوی مدت‌ها با بوق و کرنا سروصدا راه انداختند که ایران برای "حل مسئله افغانستان" دارای طرح مهمی است که با عنوان کردن آن این مسئله معضل "حل" خواهد شد، روز ۲۰ آبان این "طرح" منتشر شد! اما ناظرینی که چشم باین طرح معجزه آسا "دوخته بودند" با کمال تعجب دیدند که مفتضح ترین طرحی که احتمال

### سرمقاله

## رفسنجانی "گام به گام"

### به دنبال بازرگان

// هاشمی رفسنجانی یکی از رهبران - و طراحان اصلی سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی و سخنگوی غیررسمی دولت، در نماز جمعه هفته گذشته نطقی ایراد کرد که از جهات گوناگون مشخص کننده سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی و نیز موقعیت اقتصادی و سیاسی آنست. اهمیت این سخنرانی سواى اینکه موقعیت وخیم اقتصادی و سیاستی را نشان میدهد در اینست، که پس از دو سال از برکناری بازرگان یکی از نمایندگان با صلابت و ادبیکه لترین!! جناح کمیت، با مراحتی کم نظیر به دفاع از نظام سرمایه داری و منافع سرمایه داران برخاست و همان مسائلی را مطرح کرد که مدت‌ها پیش از جانب دولت فدا نقلاسی موقت بازرگان طرح شده و میناء، سیاستهای این دولت قرار گرفت.

بازرگان که سیاست کامیگام با ز - سازی نظام سرمایه داری و اتحاد هر چه نزدیکتر با امپریالیستها را پیشه خود ساخته بود با سرنگونی رژیم سلطنتی به دست توانای توده‌ها، انقلاب را پایا ن یافتند اعلام کرد. او از توده‌ها خواست که روال گذشته زندگی را از سرگیرند. او اعلام کرد که دوران انقلاب بی پایان رسیده است - دوران "نظم" و "قانون" و "امنیت فرا - رسیده است. بازرگان از سرمایه داران خواست که به سرکار خود با زگردند، سرمایه - ها را بجریان اندازند و همانند گذشته به استثمار و غارت کارگران و زحمتکشان ادا مدهند. او تا زمانی که در رأس قدرت بود، هدام از "خودسری" افراد و گروهها، از فقدان "امنیت" برای سرمایه، از عدم رعایت "قانون" شکوه میکرد و میگفت تا زمانی که روال گذشته از سر گرفته نشود بقیه در صفحه ۷

### در این شماره

● گزارش میتینگ هواداران...

● جنبش کارگری

● اخبار مدارس

● ارگان سازمانی و نقش آن

## در حاشیه سیاست خارجی رژیم

همراه با موج اختناق، سرکوبها، اعدامها با زداشتهای، توقیف همه روزنامه‌ها، و در حالیکه رژیم در نظر رجهانیا و در بین کشورهای منطقه و در میان جنبشهای آزاد بیخوش بیش از پیش منفر می شود، یک حرکت مشخص در جهت فعال کردن روابط خارجی بچشم میخورد. این - بقیه در صفحه ۵

آیا توسعه روابط اقتصادی - دیپلماتیک رژیم جمهوری اسلامی با کشورهای سوسیالیستی و مترقی دلیل انقلابی، مترقی و خلقی بودن آن است؟

در هفته‌های غیر درکنار اوج فزاینده بحران اقتصادی - سیاسی داخلی و

## اخبار کودکان

برادرت زندان نیست (هنگامیکه دانش آموزی دستگیر شده بود، پاسداران وی را کتک میزدند و امرت شعرا انقلابی میداد. چندتن از دانش آموزان دستگیر شده بکمک مردم موفق به فرار شدند. - حرکت اخیر دانش آموزان مشت محکمی برده‌ان با وه گویان رژیم و جاسوسان - انجمن های اسلامیت که میخواهند روحیه انقلابی دانش آموزان را خرد کنند. در این تظاهرات جناح راست اکثریت کوشش میکرد تنها با شعرا مرگ بر آمریکا از دادن شعارهای ضد رژیم و شعراهای طرفداری از جنبش مقاومت جلوگیری کند که در این عمل خود موفق نشدند. اما پاسداران مزدور در جواب آنها شعرا میدادند، مرگ بر شوروی.

سنندج: درگیری پیشمرگان فدائیی و دمکرات با مزدوران رژیم در این درگیری از مزدوران بیش از ۱۰ جا ش و پاسدار رگشته و تعدادی زخمی شدند. ۶۰/۲/۱۹ - در این تاریخ نیروهای بقیه در صفحه ۷

روز ۱۳ آبان ۶۰ به مناسبت سالگرد حماسه‌ها تشکله، رژیم با عوا مغربیی سعی نمود این روز را متعلق به حزب اللهیها بداند. در سنندج با زور و ارعاب دانش آموزان را به غیبا آنها کشاندند و با بلندگو آنها را تشویق به دادن شعار می نمودند. تمام مسیر را همیشه پر از افراد مسلح سپاه و بسیج و جاسوسان و حتی دانش آموزان به محل تجمع نزدیک میشوند تا گهان سرود (ای رقیب) را میخوانند و یکباره شور و شوق دانش آموزان، مزدوران را گریز میکند. جاسوسان به پاسداران خبر میدهند که این سرود یک سرود انقلابی است در همین موقع دانش آموزان بخش دیگری از راهپیمایی سرود (هیزی گول) را میخوانند. در یک لحظه تمام شعارها به نفع نیروهای جنبش مقاومت خلق گرد می شود. در این هنگام مزدوران رژیم وحشیانه به دانش آموزان پورش آورده و تعدادی از دختران را دستگیر و عده‌ای را زخمی می کنند. دانش آموزان شعرا میدادند "محمل بها غیر همسگرت اعدا نیست، محمل بها غیر

### رفسنجانی

بقیه از صفحه ۱  
 و سرما به داران با اطمینان کار خود را از سر تکبیرند، وضع مملکت بهبود نخواهد یافت اما در آن زمان جناح مسلط کنونی هیئت حاکمه بر رهبری بهشتی - رفسنجانی که با رقیب لیبرال خود بر سر کسب هژمونی در حاکمیت و سلطه بلامنازع رقابت داشته، شاید آنه و عوا مغربیان نه سکوشیدند که در برابر یار زرگان لیبرال ندانقلابی و مدافع سرما به داران، خود را انقلابی و طرفدار توده های مردم جا بزنند و امروز پس از گذشت دو سال از برکناری زرگان، رفسنجانی، همان مسائلی را طرح میکند، و همان سیاستی را پیش میبرد که با زرگان مدافع آن بود. او در سخنرانی خود با زبان دیگر همان حرفهای زرگان را تکرار میکند. او اعلام میکند که دوران انقلاب، دوران بی قانونی، دوران هرچومرج به پایان رسیده است و دوران امنیت و قانون فرا رسیده است. او میگوید باید امنیت سرما به تا مین شود، او میگوید - با یدقانونی که بیان منافع طبقه سرمایه دار است، قاطعانه به مرحله اجرا در آید. باید شرایطی پیش آید که سرما به داران اطمینان به چپا و لغارت خود داده دهد. چکیده سخنرانی او این است:

"پس چیزی که ما تعقیب میکنیم، اینست که مملکتمان حالت اعتماد بخودش بگیرد. کسی که مطمئن باشد، متخصص مطمئن باشد، کسی که پول دارد که میخواهد بیکار نگذارد مطمئن باشد، مستضعف به آینه خودش - مطمئن باشد، کسانیکه اذعیه سیاسی دارند، در مملکت مطمئن باشند، حدود و حقوق همه معین میشوند و تا این نقطه نرسیم، نمیتوانیم یک کشور جا افتاده داشته باشیم."

و این درست همان حرفهای زرگان از زبان آقای رفسنجانی است. اینبار، این رفسنجانی است که بجای زرگان از سیاست گام بگام مدافع میکند. در راهبازی سازی مناسبات سرما به داری گام برمی دارد، از منافع سرما به داری مدافع میکند از آنها میخواهد که به سرکار خود بازگردند و از فقدان امنیت برای سرما به عدم رعایت قانون سرما به مینالند.

امروز آنچه رفسنجانی را وامی دارد پس از آنهمه عوام مغربیی در دفاع از منافع با صلاح مستضعفین و ضدیت با سرما به داران، اینچنین بی پرده و عریان بدفاع آشکار از سرما به برخیزد، آشفای سیاست فریب و دروغ و غوغا متبیش از حد و اوضاع اقتصادی و موقعیت متزلزل هیئت حاکمه است.

اگر زمامی با زرگان بخودا جازه می داد که گستاخانه ویی پروا به دفاع از نظام سرما به داری برخیزد، پشتوانه او اعتماد نا آگاهان نه توده ها به حکومت بود، اما مدافع بی پرده سران کنونی هیئت حاکمه از نظام سرما به داری و منافع سرما به داران، بیان چیزی جز بی اعتمادی توده ها به حاکمیت نیست.

امروز رژیم موجودیت تنگیهاش را - بر سر نیزه استوار کرده است، امروز دیگر تمام وعده و وعیدهای دروغین هیئت حاکمه نتوده ها افاش شده است و توده های وسیع کارگران و دهقانان، بجای زمین، کار و زندگی بهترتر بر سرکوب روبرو شده اند. در اینجا ست که دیگر سیاست تحمیل توده ها برای حفظ نظام سرما به داری کافی نیست، سیاست دفاع آشکار از سرما به داری جایگزین آن میگردد و این در شرایطی است که بحران اقتصادی بیچنان مرحله ای زرد شد و تکامل خود رسیده است که رژیم برانسو در آورده است و دولت با خزانه ای تهی در آستانه ورشکستگی قرار گرفته است.

اکنون دیگر گداز تمام دعا های - حکومت در دفاع از منافع کارگران، دهقانان و دیگر اقشار خلق بر ملا گشته است. او دیگر از کارگران و دهقانان نمیخواهد که به داد حکومت مستضعفین برسند. او مستقیماً سرما به داران را مورد خطاب قرار میدهد، و از آنها میخواهد که به داد حکومت سرما به داران برسند. او برای نجات مملکت از فلاکت و ورشکستگی بتکار انقلابی را از کارگران و دهقانان طلب نمیکند، بلکه بالعکس میخواهد بی تمام قانون و امنیت آخرین ابتکارات انقلابی توده ها را نیز درهم تنگسته و بتکار عمل را مستقیماً "در دست خود سرما به داران قرار دهد.

رفسنجانی که تا کنون عوام مغربیان مدافع دفاع از منافع "مستضعفین" را سر میداد، امروز از پیوند جدائی نا پذیر - حکومت و سرما به داران را بر ملا میآورد و

لعنت خود را نشان میکند که با چپا و لغارت بیش از حد مشر و عیت سرما به داران - خدشه دار نموده و میگوید "چندتا تجا و زکر باعث شدند که حتی سرما به های مشروع را هم فاش مشروع جلوه دهند و این تباهی را بوجود آورند، او به کارگران و دهقانان میگوید که تنها راه نجات از فلاکت و بدبختی موجود، و آینه نوید بخش تا مین امنیت سرما به، و تن دادن به سلطه جا برانه آن است. او در همان حال به دلجوئی از سرما به داران میپردازد و از اینکه تا کنون نتوانسته است، امنیت سرما به داران تا مین کند و قان سرما به را بنحو کامل اجرا کند، اظهار شرمگینی می کند. او میگوید اگر امنیت نداشت، سرمایه داران اطمینان برای سرما به گذاری ندارند. او میگوید که سرما به از هرچومرج ویی نظمی، از نبود امنیت گریزان شده است. او میگوید برای اینکه سرما به داران با یئنده اش مطمئن باشد با شداید قان سرما به اجرا شود، در یک کلام او با صراحت تمام فریاد میزند که اگر امنیت سرما به تا مین نشود - "مملکت به تباهی کشیده میشود.

این دفاع آشکار رفسنجانی از نظام سرما به داری و محتاطت سرما به داران نشان میدهد که هیئت حاکمه تنها راه نجات خود را در توسل بیش از پیش به سرما به داران و ایستاده خلی و سرما به های امپریالیستی یافتن است. او هنگامیکه از مشروعیت سرما به، حکومت قانون و تا مین امنیت برای سرما به سخن میگوید، سرما به های امپریالیستی را نیز برای سرما به گذاری ایران فرا میخواند. اما موقعیت اقتصادی و سیاسی هیئت حاکمه بسیار روخیم تر از آن است که سرما به داران و ایستاده خلی و دولت های امپریالیستی بتوانند بنده نجات آن بشتا بندند. رژیم جمهوری اسلامی در آخرین لحظات عمر تنگنایش به هر خا روخا شکنی چنگ میاندازد، تا خون را از نا بودی ختمی نجات دهد، اما مدام بقعر منجلاب فرو میرود. این رژیم نیروهای مولد جامعه را بسوی نابودی سوق داده است و جامعه را به بربریت قرون وسطای کثافت نده است، این رژیم قادر نیست جامعه را از فلاکت، ورشکستگی و نا بودی نجات دهد. راه حل بحران نه در راه حل سرما به داران، نه از طریق - تا مین امنیت برای سرما به، بلکه در - ابتکار انقلابی کارگران و دهقانان و نابودی امنیت سرما به نهفته است.

### ارگان سازمانی

بقیه از صفحه ۱۴  
 چه تغییراتی کرده و فروکش و خیز آن چگونه در روحیات توده ها عمل میکند؟ نمونه - رشد اعتراضات و یافروکش آن درجه طبقات و اقشاری محسوس تر است؟ ذکر نمونه - در باره آزار دیهای دمکراتیک و جوع اختناق و سرکوب چه نظراتی وجود دارد؟ ذکر نمونه - در رابطه با انقلاب و آینه توده آن چه نظراتی بین توده ها شایع است؟ ذکر نمونه - سوپا لاغره اینکه در رابطه با مسائل سیاسی روز ذهنیت حاکم بر توده ها چگونه است و این مسائل را چگونه با هم مشکلات و مسائل خود مربوط میبازند. (مسائل رفیق همواره نمیتوانند تغییر پذیر باشند، از این نظر به جزئیات آنان نمیپردازیم.)

گزارشات ضربتی

این گزارشات شامل راهیمائی، میتینگ ها، انتخابات و... میباشند. برای تهیه چنین گزارشاتی طبق تجارب حاصله ضروریست:

از قبل برای اینکار آمادگی داشته و تیمهای ۲-۳ نفره را سازماندهی نموده و تقسیم کار رووظیفه در آن دقیقاً "صورت پذیرد. تمام منطقه یا بدتحت پوشش قرار گیرد، بطوریکه گزارش حاصله شامل تمام شهر گردد. گزارشات سریعاً "تنظیم گشته و حداکثر تا فردای آنروز بدیبرخانه ارجاع شوند. در این نوع گزارشات، برداختن به:

مسیر حرکت - شعارها - تعداد جمعیت (زن - مرد - خردسال) - ترکیب طبقاتی سن و جنسیت شرکت کنندگان - فعال و غیر فعال بودن آنها در مراسم - بازتاب شعارها و... در توده ها - چگونگی برخورد تماشاگران و بازتاب حرکت در آنان - عکس العمل نیروهای سرکوبگریا توده ها و بالعکس - چگونگی تجمع و حرکت (بنیاده اشوبس - وانت و...) - نحوه پراکنده شدن آن (با نظم و ترتیب و...) اعلامیه و نشریات پخش شده و بازتاب آن در توده ها توجه و عدم توجه توده ها در هنگام سخنرانی

راهیمائی و... اظهار نظر توده ها درباره سخنرانی - راهیمائی - انتخابات... قبل و بعد از حرکت - اظهار نظر توده ها در رابطه با موضوعات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی مطرح در سطح جامعه و ضروری میباشند.

در انتهای پیشنهاد می کنیم در این رابطه در حد توان هسته ها کتب و مقالات زیر مورد مطالعه ای جدی قرار گیرند و دوباره و چند باره خوانده شود.

نامه به یک رفیق - لنین - اصول تشکیلات حزب (بخش گزارش دهی) کمینترن پیش نویس اعلامیه هیئت تحریریه اسکرا و زاریا - لنین

یک مسئله مبهم (در کتاب درباره نشریات کارگری منتشر شده) - لنین

در ضمن تمامی رفقاً مقاله ارگان - سازمانی و نقش آن بخصوص از قسمت ۳ به بعد را در هسته ها به بحث و بررسی بگذارند.

علاوه بر مطالبی که رفقای دبیرخانه در نامه شان ذکر کرده اند میتوان به رهنمودهای زیر را به تمام رفقاً به عنوان یک گزارشگر داد.

# جنبش کارگری



پالایشگاه تهر - ران

فقط در مه ماه سال جاری (۱۳۶۰) - پنج مورد آتش سوزی در پالایشگاه تهران اتفاق افتاده است که منجر به سوختگی جلدی یک کارگر و دزدگی دیگری شد. در یکماه گذشته در پنج مورد در نقاط مختلف مثل کارخانه اسفالت و قیر سازی، واحد تقطیر جنوبی، دستگاها که آتش گرانروی جنوبی بلبل فنی و عدم دقت و بی زرستی صحیح آتش سوزی ایجاد شده است در این آتش سوزی ها کارگرانی دچار سوختگی جلدی شده و کارگر دیگری دچار دزدگی گردیده است. ایمنی پالایشگاه تهران در مقدمه گزارش خود در این باره مینویسد: "بعضی حوادث بطور ناگهانی اتفاق می افتند و این تصور غلطی است که اگر فکر نکنیم هیچگونه علل و سابقه قبلی مسبب بروز آن نبوده است " گروه ایمنی علل این آتش سوزی ها را آلوده بودن لوله های داغ به مواد نفتی یا نشت مواد نفتی از لوله ها به علت بی توجهی دانسته است. اما گروه ایمنی به این مسئله توجه نداشته است که چرا این بی توجهی ها روز بروز بیشتر میشود و چرا دستگاها که کار لازم و ضروری را ارائه ندادند و بموقع تعمیر یا تعویض نمی گردند. و خلاصه اینکه، کم کاری و بی - علاقه گنی نسبت به کارچرا در میان - کارکنان شایع شده است. اما بر هیچ کس پوشیده نیست که بدنبال اقدامات و تصمیمات ضد کارگری غرضی و زیر نفست که منجر به ایجاد محدودیت های زیادی - برای کارگران شده و چاه نظرها را چه از نظر معنوی آنها در تنگنا قرار داده است، کیفیت کارها پائین آمده و این قبیل مسائل در چنین شرایطی عادی بنظر میرسد اما نه رژیم جمهوری اسلامی. و نه غرضی بعنوان یکی از کشیف ترین مهره های این رژیم به فکر کارگران اندون و بفکر تولید بلکه بفکر خویشند و تحکیم موقعیت خویش. نمونه برخورد زیر نشان نگران واقعت است. در موزند تعطیل پنج شنبه ها به اطلاع وزیر رساننده اند که آمدن کارگران پالایشگاه تهران در روز پنجشنبه هر بنا ریک میلیون تومان به زبان شرکت است. وزیر در پاسخ میگوید یک میلیون که هیچ اگر ده میلیون هم ضرر داشته باشد مهم نیست مهم حاکمیت ماست!

## پالایشگاه تبریز

یکی از کارگران پالایشگاه تبریز پس از بیست و پنج ضربه شلاق در محوطه پالایشگاه بیهوش شد. یکی از کارگران پیمانهای جیب یکی از همکاران خود را میزند، در اثر پیگیری مسئله شخص مزبور شناخته نمیشود. مکتبی ها که بدنبال ارشاد دیگران

هستند سراسیمه از راه میرسند و حکم الهی را در باره او اجرا می کنند. بساط نما پیش را در محوطه پالایشگاه میچینند و کارگر مزبور را به شلاق می بندند، او پس از تحمل بیست و پنج ضربه شلاق بیهوش میشود. این عمل خشم و تنفر زیادی را در پالایشگاه تبریز نسبت به سیستم و طرز تفکری که میخواهد یک بیماری جامعه طبقاتی را با شلاق درمان کند بوجود آورده است. میدانیم که کارگران پیمانهای در شرایط مناسبی قرار ندارند، مزاها و حقوق آنها به مراتب کمتر از کارگران رسمی است. اغلب درآمد آنها کفاف گذران زندگیشان را نمیکند، امیدی به آینده ندارند، از تان مین شغلی برخوردار نیستند، اخراج و بیکاری همیشه مثل سایه هولناکی تعقیبشان میکند و... حالاً قایان مکتبی ها میخواهند، فقر و نداری بیکاری و بی فرهنگی و به عبارت ساده تر اختلافات طبقاتی را با ضربه های شلاق حماقت که بر بیکر کارگری فرود می آورند از بین ببرند. گویا که ذهن عقاب مانده حاکمان کنونی راهی بهتر از این برای حل مشکلات اجتماع می پیدا نمی کند، اما رژیم و مانده جمهوری اسلامی مسلماً "با انباشتن زندانها، کشتن دسته جمعی انقلابیون و مبارزین این کشور و شلاق و تازیانه و زجر شکنجه، ایجاد محیط رعب وحشت و نا اعمال - وحشگریهای قرون وسطایی نمیتواند نه از بحران اقتصادی خلاص شود و نه مکتبش را در میان کارگران اشاعه دهد و نه مشکلی از مشکلات زندگی آنها را حل کند فقط هر روز چهره کشیف و درنده خوی و غیر انسانی آن بیشتر و بهتر نمایان میگردد.

## گزارش کوتاه:

توضیح مختصری درباره وضعیت کارگران باراندا

کارگران باراندا زبنادرایران اغلب بطور آزاد (نه رسمی و یا پیمانهای) و از محرومترین و زحمتکشترین افراد جامعه ما میباشند. آنها که عمدتاً از زحمتکشان گردهستند در سخت ترین شرایط بدون هیچ گونه ضوابط قانونی و اداری شیزه جانیشان مکیده میشود. این کارگران اغلب برای سهولت کار خویش اکیپهای درستی کرده و هر اکیپ نیز برای خود سر کارگری (فورمن) انتخاب میکنند. کارگران باراندا زبهمین علت (کار جمعی و مشترک) بصورت کمیونتهای کوچک میباشند. آنها همیشه در سرا سکه ها حاضرند - ندوبه محض ورود گشتی برای تخلیه بار آماده! اتحاد کارگران باراندا نشان همبستگی آنهاست.

## بندر لنگه

در تاریخ ۶۰/۷/۲۸ کشتی کوچکی که در حدود ۲۰ هزار تن روغن ذرت با رگرده بود در اسکله کوچک بندر پهلورگرفت. علت عدم جرای مناسبت برای پهلورگرفتن، کشتی نتوانست کاملاً پهلور بگیرد و قسمتی از جلوی کشتی به اسکله چسبید. کارگران کشتی که همگی کارگران زحمتکش بودند سعی میکردند کشتی پهلور بگیرد اما به آسانی ممکن نبود. کارگران بندر که عمدتاً محلی بودند با چهره های سیاه - سوخته اما مضم نظر رهگرتلاش کارگران کشتی برای پهلورگرفتن بودند. کارگران را نمیشد شمارش کرد، اما کلاً در حدود ۷۰ الی ۸۰ نفر بودند. اکثر آنها جوانان بودند. همپرزند چند تنی از کارگران نیز از

جنگزدگان عرب آبادان بودند. با لاشه با همه تلاش کارگران کشتی نتوانست پهلور بگیرد. بهمین جهت یکی از کارگران کشتی با گذاشتن چند تخته بلندروی کشتی واسکله میخواست پلی درست کند تا کارگران بتوانند بار را خالی کنند. کارگران باراندا زیادین وضع دست به اعتراض زدند و گفتند: ما به هیچ وجه حاضر نیستیم بار را به این شکل تخلیه کنیم، سرکارگرانها نیز جلو آمده و حرف کارگران را تصدیق کرد و گفت: این اولین کشتی نیست که ما خالی میکنیم. حتماً با بد درستی پهلور بگیرد تا ما بتوانیم با خیال راحت بار را خالی کنیم. این کار رتونها یکی دوتا که نیستند؟ بگو مگو بین طرفین آغاز شد، از یک طرف کارگران کشتی حاضر به قبول حرف کارگران باراندا نبودند و از طرف دیگر کارگران باراندا زیار کشتی پهلور گرفته را حاضر نبودند تخلیه کنند. و درگیری ادامه مییابد که یکی از کارگران نسبتاً "آگاه" همیشه نزدیک شد و به سرکارگر باراندا زنگت: دوست عزیز! آنچه تو میگی درسته، اما این مسئله با دعوا حل نمیشه، اتحاد شما خیلی خوبه، سعی کنید حفظش کنید، فقط سعی کنید با ما که مثل خود شما ها کارگریم درست برخورد کنید. منم میگویم کشتی را پهلور نگرفته بار را خالی نکنید. با لاشه بر اثر اتحاد همبستگی کارگران باراندا، کشتی ناگزیر به پس و پیش کردن شد تا عاقبت پهلور گرفت. کارگران با حرات شروع به تخلیه بار کردند. در طول یکروز (نزدیک به ۸ ساعت) ۱۰/۰۰۰ کارتون روغن که هر کدام ۶ عدد گالن زنده باد اتحاد همه کارگران وزحمتکشان ایران وجهان

کارخانه ایسکو - مراغه کارگران این کارخانه در شرایط سخت و طاقت فرسا و فشار بسیار مشغول به کار هستند. در این کارخانه سطح دستمزدها پائین، قریب ۸۳۰ ریال و ۶۳۰ ریال درازای روزی ۹ ساعت کار میباشد. که روزی ۳۰ ریال به عنوان حق بیمه از آن کسر میشود که بعداً ۵ سال هنوز هم دفترچه بیمه ای برای هیچ کارگری صادر نشده است. اخیراً "مهندس بهانیا ردا رندیدا" اعتراض نموده که میبایست به جای دستکش های صنعتی محافظ ۳۵۰ ریالی دستکش های ۲۲۰ ریالی خریداری نماید و در عرض ۵ سال ۵ برابر بودجه تصویب شده برای اتمام کار (?) به حساب مهندس ریخته شده ولی تا حال یک دوم کارها هم انجام نشده است... در چنین جوی از فشار بر کارگران از طرف مهندس سرپرست شرکت مذکور، در روز ۶۰/۷/۳۰ پس از آنکه مهندس به کارگران که در ساعت ۱۰ صبح طبق معمول مشغول صرف صبحانه بودند شدیداً "توهین و اعتراض می کند، کارگران در مقابل این اعتراض و توهینها که برای زنده خود بود تصمیم به انتخاب نماینده ای برای خود می کنند که در مقابل همه حق کشی های مهندس از منافع آنان دفاع نماید. با اطمینان به پیروزی کارگران وزحمتکشان



# جنبش کارگری

شیراز



اعتراض کارگران پالایشگاه به بخشنامه ارتجاعی وزیر نفت همچنان ادامه دارد. بنقل از خورش شماره ۷ - نشریه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز

بدنبال بخشنامه ارتجاعی وضد کارگری وزیر نفت مبنی بر لغو تعطیلی پنجشنبه ها و کسر دنده در ضحک کارگراهی کارکنان پالایشگاه شیرازی برای مقابله با اینگونه بخشنامه های ضد کارگری متعدا "تصمیم گرفتند که - طبق معمول پنجشنبه ها سرکار نروند و هیچ اعتنالی به اینگونه قوانین ضد کارگری نکنند.

در تاریخ پنجشنبه ۶۰/۶/۲۶ کارگران مبارزان زرتشتی سرکار خودداری کرده و اتحاد همبستگی خود را به نمایش گذاشتند این اقدام انقلابی کارگران بخوبی نشان داد که تنها در پرتو اتحاد و تشکلات است که میتوان پوز سرما به داران را به خاک مالید و حقوق حقه خود را بدست آوردند همچنین در ادامه این حرکت کارگران مبارزان زرتشتی پنجشنبه گذشته علیه غمناک های کتبی که مدیر پالایشگاه برای تک کارگران و کارکنان صادر کرده بود در کارخانه فرستاده و همچنان اتحاد خود را برای بازپس گرفتن ۴۰ ساعت کار در هفته نشان دادند. لازم به تذکر است که در این اعتصابات تنها ۲۸ نفر شرکت نکرده که این تعداد انجمنیهای اسلامی، بوده ایوا کثرتی تشکیل میدادند. این اعتصاب آزمایش خوبی برای بررسی نیروهای درون پالایشگاه بود و کارگران بخوبی چهره های ضد کارگری را در برابر خود شناختی نمودند. ما ضمن تأیید این اقدام انقلابی

به کارگران هشدار میدهم که رژیم برای شکستن این حرکت انقلابی سعی دارد - سیاست تفرقه را به اجرا گذارده و با اخراج تنی چند از کارگران جلوان این حرکت را سد نماید و وظیفه کارگران انقلابی و مبارزان است که با تکمیل اتحاد همبستگی در مقابل اینگونه اعمال متحد و یکپارچه ایستادگی نموده و قدرت لایزال خود را پیش از پیش به نمایش گذارند، و با تشکیل صندوق اعتصاب و کمیته های مقاومت در برابر اخراج، توطئه های ضد کارگری رژیم را خنثی نموده و با طرد عناصر سازشکار از زین خود صف خود را فشرده تر سازیم.

در تاریخ چهارشنبه اول مهرماه در رابطه با تعطیلی پنجشنبه ها از طرف شورای با صلاح اسلامی کارگران مجمع عمومی تشکیل شد که به علت عدم اطلاع کلیه کارگران تنها ۱۵۰ تن در این مجمع شرکت نمودند. در ابتدا نماینده توده ای شورا با حالتی تهدید آمیز مطرح کرد که مبنایست کارگران روزهای پنجشنبه سرکار فرستند. ما از طریق قنونسوی مذاکراتی که با وزیر نفت انجام داده و موافقت آمیزا بوده مسئله را دنبال میکنیم و در ادامه صحبت های خود سیاستهای ضد کارگری رژیم را نیز توجیه مینمود که با مخالفت شدید کارگران روبرو گردید (لازم به تذکر است که فردی را که شورا برای مذاکره به تهران فرستاده بود روز سه شنبه ۶۰/۶/۳۱ به

شیراز آمده ولی چون چیزی برای گفتن نداشته املا به پالایشگاه نمی آید) یکی از کارگران در جواب گفت که ما تعطیلی پنجشنبه را در سالهای ۵۰ - ۵۱ از حاکمیت دیکتاتور توری شاه گرفتیم و در آن ۱۸٪ حقوق ما را کم نمودند تا حالا بن پول را به ما داده اند که میخوایند پنجشنبه ها را هم کارکنیم. در ادامه منما بنده قبلی شورا که استعفا کرده بود پس از اینکه سیاستهای سازشکارانه وضد کارگری شورا را شدیداً مورد حمله و انتقاد قرار داد گفت: "ما میخوایم با کشاندن کارگران سرکار، کارهای غرضی را تا پدید کنید، شما در خدمت آنها هستید و نمی توانید نما بنده واقعی کارگران باشید" کارگری گفت "املا" غرضی ضد انقلاب است نه ما "در این موقع همه یک صدا با فریب دمیخ است صحبت های او را تا شد کردند. شورای زرد که چیزی برای گفتن نداشت ختم جلسه را اعلام کرد.

موج دستگیری در پالایشگاه - بنقل از خورش شماره ۸

در تاریخ ۸ مهرماه حدود ۱۰ تن از کارگران مبارزان پالایشگاه شیراز زمانی که در سرویس خارج میشدند توسط پاسداران سرما به دستگیری و سرما به بازداشتگاه میفرستادند. از این ۱۰ نفر دو نفر با خطر حساس بودن شغلشان با توصیه رئیس پالایشگاه آزاد و از دو نفر دیگر خبری در دست نیست. رژیم ضد خلقی حاکم سعی دارد که با اخراج کارگران مبارزان از حرکت اعتراضی آنان جلوگیری نماید. وظیفه کارگران مبارزان است که با اتحاد همبستگی و ایجاد کمیته های مقاومت اینگونه توطئه ها را خنثی نمایند.

بعد از یورش پاسداران مزدور به کارکنان پالایشگاه که منجر به دستگیری بیش از ۱۰ تن از نفعگران قهرمان - گردید. کارکنان پالایشگاه همچنان برخواسته های انقلابی خود با فشاری نموده و خواهان تعطیلی پنجشنبه ها میباشند اما رژیم ضد کارگری جمهوری استی با حاکم کردن جو خفقان سرما به پالایشگاه همراه با حضور پاسداران سرما به سعی در سرکوب هر چه بیشتر کارگران را دارد و با شایعه اخراج دسته جمعی و معلق کردن کارگران سعی بر ایجاد جو رعب و وحشت در پالایشگاه را دارد. وظیفه - نفعگران قهرمان است که با اتحاد خود جلوانگونه سیاستهای ضد کارگری ایستادگی کرده و با ایجاد کمیته های مقاومت خانواده های نفعگران زندانی توطئه های رژیم را خنثی و اتحاد همبستگی خود را پیش از پیش به نمایش گذارند.

**مردم چه...**  
بیشتر از ۱۵ تومان نمی رزد دهقان جواب داد "اگر توانستی گوجه و بادام را کیلو ۲ تومان به من بدهی اگر - توانستی گوشت را کیلو ۱۵ تومان به من بدهی آنوقت من برنم ۱۵ تومان میفروشم" بسیجی پرسید "چقدر میخوای میفروشی" دهقان گفت "کیلو ۳۰ تومان" بسیجی که عصبانی شده بود گفت "چرا ۳۰ تومان" در این بین نماینده انتخاب شده به حالت منیا نجگیری گفت "نه حرف تونسه حرف این کیلو ۲۵ تومان" بسیجی با عصبانیت بیشتر غرطاب به رئیسش تا ونسی گفت: "این چه نماینده ایست که انتخاب کرده ای؟" رئیس با حالت التماس - آمیزی گفت "من او را انتخاب نکرده ام او منتخب مردم است" دهقان پس از - مشاخره گفت "نه، من بزرگ خود را نمی فروشم"

# میتینگ هواداران سازمان در پارس

در روز چهارشنبه ۱۲ اکتبر (۶ ماه) میتینگ بزرگی از طرف انجمن دانشجویان ایرانی در پارس (هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) در سالن مونتزا لیته پارس بر علیه کشتارهای رژیم جمهوری اسلامی و برای دفاع از هزاران زندانی سیاسی در ایران، برگزار گردید. در این میتینگ نزدیک به هزار نفر از نیروهای مترقی و انقلابی شرکت کردند. در این برنام علاوه بر متنی که در باره شرایط مبارزه مردم ایران و علل کشتارهای وحشیانه رژیم پهلوی خوانده شد، تعدادی از سرودهای انقلابی توسط دسته کسر انجمن، قبل از شروع خوانی رفیق سلطانی بر سر زرقا جزئی و همزمان با بیوکراسی رفیق سلطانی، برنامهای فرهنگی رفقای ترکیه و رفقای کرد نیز اجرا شد. این میتینگ با استقبال و پشتیبانی بسیاری از نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست جهان واقع شد. دهها پیام همبستگی و پشتیبانی از طرف نیروهای مترقی برای قرائت در میتینگ ارسال شده بود. که از این میان به علت کمبود وقت فقط پیامهای جنبش چپ انقلابی شیلی (میر) - جبهه دمکراتیک انقلابی (F.D.R) و جبهه آزادیبخش ملی - فارا - بوندو ما تی (F.A.M.L.N) السالوادور - دومر جیول (راه انقلاب) ترکیه و اتحادیه میهنی کردستان عراق، در پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران خوانده شده که میباید استقبال پر شور شرکت کنندگان قرار گرفت.

متن پیام بدین شرح است:  
جنبش انقلابی شیلی (میر) همبستگی شدید خود را با میتینگ انجمن دانشجویان ایران در پارس (هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) بر علیه اختلاق در ایران اعلام میدارد. میر شیلی از مبارزان خلقهای ایران بر علیه امپریالیسم و بمنظور تحصیل دموکراسی واقعی پشتیبانی مینماید.

زنده باد مبارزان خلقهای ایران و سازمانهای انقلابی آن. زنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، زنده باد - انترناسیونال لیسم پرولتری.

متن پیام F.A.M.L.N و F.D.R  
نمایندگی جبهه دمکراتیک انقلابی (F.D.R) و جبهه آزادیبخش ملی - فارا - بوندو ما تی (F.A.M.L.N) السالوادور - فرانس، پیام همبستگی خود را به خلقهای ایران و تمام سازمانهای انقلابی که در مقابل امپریالیسم مبارزان و بر علیه نیروهای فدائی انقلابی در ایران مقاومت میکنند، اعلام میدارد.

زنده باد مبارزان خلقهای ایران، زنده باد مبارزات خلقهای ایران، زنده باد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، زنده باد - انترناسیونال لیسم پرولتری.

درحاشیه ...

بقیه از صفحه ۱  
فعلیت بکسوی از این جهت بحث انگیز شده که بیشتر سمت آن بسوی کشورهای سوسیالیستی و مترقی است، ما در مقاله "مانورهای دیپلماتیک رژیم جمهوری اسلامی کارزار ۱۳۵۰" خطوط کلی این حرکت را که با شرکت ایران در کنفرانسهای بین المللی، کنفرانس جنبه پایداری در لیبی و کنفرانس بین المللی در کوبا و مسافرت های رفتن و رفتن به گره شمالی و مالزی آغاز - گشته بود، توضیح دادیم. اما از آنجا که روابط اقتصادی - دیپلماتیک کشورهای سوسیالیستی و توسعه احتمالی آن مورد بحث و تفسیرها و گوناگون قرار گرفته و در این میان آنها مات و وانرفاتی را موجب گردیده است لازم است تبیین کنیم - های دولت جمهوری اسلامی و همچنین دیگر کشورهای سوسیالیستی را در جنبه های اقتصادی و سیاسی در این مسئله مورد بررسی قرار داده و ببینیم برخورد ما رگمیستی - لنینیستی نسبت با این مسئله چگونه است :

انحرافات که حرکت های رژیم جمهوری اسلامی و موضع گیری های بعضی کشورهای بلوک سوسیالیستی در سطح جنبش موجب گشته است را میتوان به دو دسته تقسیم کرد : الف - انحرافی که این حرکتها را دلیل انقلابی، مترقی و خلقی بودن رژیم میدانند و در این میان توده های و توجیه های اکثریتی آنها نیز با این انحراف دامن میزنند. این دیدگاه انحرافی بجای بررسی ماهیت رژیم ایران از جهات طبقاتی، برخوردش به سیستم سرمایه داری وابسته و عملکردش نسبت به نیروهای بالنده اجتماعی و خلقی و به حقوق سیاسی و آزادیهای دمکراتیک و دیدگاهش به اهرمهای اعمال قدرت خلقی یعنی شوراها و نهاد های دمکراتیک، تنها یک فاکتور را اساس تحلیل های خود قرار داده و آنهم روابط اقتصادی - دیپلماتیک و موضع گیری کشورهای سوسیالیستی به ایران است. این امر که از سالها قبل (حتی در زمان شاه) از طرف حزب توده معیار سنجش بود از کار ۵۹ اکثریت محور استدلالات آنها نیز قرار گرفت. آنها باین استدلال که مثلاً فلان یا بهمان کشور سوسیالیستی قرار داده ایم اقتصاد با ایران نیست و موضع موافق نسبت رژیم ایران گرفته است و احیاناً "انرا - فدا مهربان لیست خوانده است خود را از "شر بر روسی و تحلیل دربار ما هیت رژیم غلامی کرده و همین را ملاک قضاوت خود قرار میدهند. غافل از اینکه حرکت آزروبی بین منطق آنها را به آنجا می رساند که رژیم شاه (و همچنین رژیم عراق و بسیاری دیگر از رژیمها) هم فدا مهربان لیست خلقی و مترقی از آب بیرون می آید چرا که در رژیم شاه هم قرار دادهای اقتصادی بزرگی با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی بسته شد و موضع گیری های سیاسی به نفع رژیم شاه در مورد اوپک و غیره اتخاذ گردید!

اما نیروی که سعی میکنند - تبلیغاتش برای فریب مردم از این دید انحرافی رایج بیشترین سوء استفاده را بنما بد خود رژیم است که با استفاده از تبلیغات توده ایها، اکثریتیهها، و رادیهوای "مدای ملی" "میکو" "تاشکد" و... گفتار سران بعضی کشورهای سوسیالیستی بیشترین بهره برداری را به نفع خود کرده و در جهت تعمیق - توده ها، در خلق جا زدن رژیم خود گسیام

بردارد. ب - انحراف دوم رایج اینست که با این روابط اقتصادی - دیپلماتیک را دلیلی بر فدا انقلابی بودن کشورهای سوسیالیستی تلقی کرده و به هیبتی نشوروی و ضد کشورهای سوسیالیستی دامن میزنند. این نظرگاهها بطور استدلال میکنند که چون ما هیت فدا خلقی رژیم بخوبی منموم است و در آن شکی نیست بنا بر این هر دولت کسی که با این دولت روابط اقتصادی برقرار کند و یا از آنها تاثیر سیاسی بعمل آورد ما هیت خودش بر سر مال رفته و خودش فدا انقلابی و فدا خلقی است. این نقطه نظر که از طرف بسیاری از عناصر صادق نا آگاهانه بروز میشود از جانب بعضی جهانیه - ها و طرفداران تز سوسیال امپریالیسم آگاهانه بهره برداری شده و به نتایج عظیمه اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی بدل میشود. در این میان امپریالیسم جهانی و عوامل سرسپرده آن سلطنت طلبیان و فدا انقلاب مغلوب با این امر دامن میزنند. بنا بر این، این مسئله اولاً وسیله ای برای کوبیدن کشورهای سوسیالیستی شده که بگویند با زهم مشاغل دوران معدوق ۱۵ خرداد ۱۰۰۰ این کشورها به مبارزات مردم ایران خیانت میکنند و ثانیاً تبلیغات راه می اندازند که - ایران، داردمونیستی میشود و وضع نابسامان کنونی (سیستم کوپنی، صفای طویل و...) را نتیجه سیاستهای - کمونیستی دولت و نفوذ کمونیستها در آن دانسته و با این ترتیب به حیثیت نظام سوسیالیستی لطمه وارد می کنند. برای روشن کردن مسئله و برخورد به دو انحراف فوق و سوء استفاده ای که از هر دو زاویه "چپ و راست" به این مسئله میشود لازم است روابط فیما بین ایران و کشورهای سوسیالیستی را از ناحیه رژیم جمهوری اسلامی و بالعکس مورد بررسی قرار دهیم تا بتوانیم با دید روشنی به این قضیه نظر افکنده و با - برخوردی عینی و علمی به قضاوت بشینیم : ماهیت و علل و انگیزه دولت جمهوری اسلامی از روابط با کشورهای سوسیالیستی چیست ؟

نگاهی به روابط اقتصادی بیمن ایران از یک طرف و دولت شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی از طرف دیگر نشان میدهد که پیوسته و در تمام ادوار دولت - ایران دارای روابط اقتصادی مشخصی با این کشورها بوده است ولی این روابط هیچگاه به مناسبات ایران در چارچوب سرما به جهانی لطمه نزده است. تاریخ گواه است که درست در بحبوحه حرکت چهار نعل ایران بسوی ادغام در سرما به جهانی (سالهای ۴۲ تا ۵۰) رژیم شاه بزرگترین قرار داد یعنی ساختن مجتمع بزرگ دوبر آهن، آهن اسفهان و ماشین سازی اراک و تبریز و فروش گاز اراک اتحاد شوروی منعقد کرد. در آن هنگام هم مشاطه گران توده ای این قرار داد را قدم بلندی در راه صنعتی شدن کشور استقلال اقتصادی و حرکتی در راه رشد غیر سرما به داری ایران دانسته و آنرا بفریدن از انحانات بین المللی تلقی میکردند. در حالیکه این امر در زمانی بود که مهربان لیسم جهانی بسرگردگی آمریکا شروع به یک برنامهدراز مدت - صنعتی کردن ایران و ایجاد صنایع مونتاژ و تقسیم کار جدید در عرصه جهانی کرده بود. و دولت ایران در همین موقع - برای تسهیل سرما به گذاریهای خارجی در ایران، قانون "جذب و معایت" از سرما به های خارجی را به تصویب رسانید

که به موجب آن سرما به داران خارجی تنها پنج سال از مالیات معاف بودند و هم چنین قادر بودند تا سود حاصل از این سرما به گذاری و اصل سرما به خود را بدون کوچکترین مانع و محدودیتی از ایران خارج سازند. در این هنگام معاملات ایران با اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی نظیر آلمان شرقی، بلغاریتان و... در واقع تکمیلی برای بازار جهانی و رفع نیاز مندیهایی بود که از انحصارات جهانی نمی توانست مستقیماً تامین کند و در این جا ایران واسطه ای برای صدور کالا های غربی نظیر کفش، تریکو، اتومبیل، بیخال و... بکشورهای بلوک شرق بود.

واکنش با توجه به بحران اقتصادی و اختلالاتی کدر گردش کالو و دوران به ایران بوجود آمده که در موارد بسیاری ایران ناچار است از طریق واسطه ها و بصورت کشورهای ثالث کالا های غربی را به ایران وارد کند، مبادلات بازرگانی و احیاناً توسعه بعضی اقلام آنها کشورهای بلوک شرق - که در سابق هم وجود داشت - مفهوم پیدا میکند. یک نگاه سطحی نشان خواهد داد که حجم معاملات با این کشورها نسبت به زمان شاه در مقایسه با کشورهای سرما به داری افزایش نیافته زیرا بعلت خوابیدن و با کاهش تولید بسیاری از کارخانجات داخلی اصولاً حجم واردات کالاها بطرز سرسام آوری افزایش یافته بطوریکه حجم واردات ایران در سال ۵۹ نسبت به سال ۵۷ هفت برابر شده است. منتهی تبلیغات روی معاملات با کشور - های سوسیالیستی بسیار زیبا است. دلیل دیگری هم که رژیم ایران را وادار کرده که در عقد قرار داد با کشورهای سوسیالیستی تمایل نشان دهد موقعیت ایران در فروش نفت است که چون ایران میخواست و نمود کند که از قیمت تعیین شده اوپک پائین تر نخواهد آمد و در این قیمت هم مشتری نداشت لذا با طرح قرار دادهای کدر مقابل فروش نفت بسته میشد (یعنی قرار دادهای مهمتری با کشورهای سوسیالیستی) میتواند بهای واقعی نفت را مستور نگهارد.

اما با بد توجه داشت علیرغم تمام جار و جنبانهای رژیم در توسعه روابط اقتصادی دیش شوروی و کشورهای بلوک شرق، عمده تجارت خارجی ایران با کشورهای امپریالیستی، انگلستان، آمریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه... (بطور مستقیم و یا غیر مستقیم) است. تمام اتومبیلها، وانتها، کامیونها، تریلیها، اتوبوسها، کشتیها و هواپیماها و خلاصه تمام مواصلات حمل و نقل زمینی و هوایی و دریایی با تمام لوازم یدکی آن، از کشورهای غربی تهیه میشود (چه بصورت مونتاژ و چه بصورت ساخته شده کامل). تمام وسائلی الکترونیکی، بیخال، فریزر، ماشینهای لباس شویی، دستکاهای تهویه سرد و گرم و وسائلی الکترونیکی، رادیو تلویزیون و ویدئو کاسه مینیوتیتر و صدی هشتاد مواد خام و نیم پرورده، مواد اولیه از این کشورها وارد میشود. در مورد تمام پروژه های نیمه کاره مثل مجتمع پتروشیمی بندر امام خمینی که توسط ژاپنیهها ساخته میشود تا سیات اسکله بندر و عملیات توسعه بندر عباس که توسط ایتالیا شها انجام میشود و تا سیات بندری چاه بهار و... رژیم از بیخال و شرکای خارجی خواسته است این پروژه ها را به تمام برساند. ولی این شرکتها هستند که برای ادامه کار تضمین کافی میخواهند و رژیم هم بقیه در صفحه ۶

بخیه از صفحه ۵

از دادن چنین تضمینی عاجز است. تا - کتون یک قرارداد تسلیحاتی و نظامی با کشور شوروی بسته نشده و کماکان تمام جنگ افزارهای سنگین ما متکی به آمریکا و انگلستان است که بصورت مستقیم و غیرمستقیم تا مین میشود و تنها دولت ایران مقداری اسلحه سبک نظیر کلاشینکف از کره شمالی خریداری کرده است که در مقابل اسلحه های سنگینی نظیر تانک و توپ و زره پوش و هوا پیمای موشک و ... فنجاننی است در مقابل فیل !! اما از نظر سیاسی هم رژیم یک آن از تبلیغات ضد کمونیستی و "فد شرقی" کوتاه نمیا مد و در تمام تبلیغاتش شعارهای ضد شوروی جزوبرنما همیشگی اوست و - خمینی که تعیین کننده شعارهای کوتاه مدت و دراز مدت حکومت است حتی در یک سخنرانی اش از حمله به شوروی دریغ نکرده است. مسئله ضد کمونیستی که کشورهای بلوک شرق را هم در بر میگیرد، لحظه ای از تبلیغات رژیم کاسته نشده است. حمایتها مادی و معنوی وزارت جانی ترین محافل افغانی و تشکیل اردوگاههای تعلیم نظامی به افغانها و گسیل آنها به افغانستان برای جنگیدن با جمهوری دمکراتیک افغانستان نشان دهنده سیاست ارتجاعی رژیم زابتدا تا کتون است و اگر امروز قدری کوتاه آمده و زنده دادن پیشنها دادی در این قضیه است بهیشترازا این نظرات که وجود یک میلیون و پانصد هزار افغاننی در ایران مشکلات عدیده ای از نظر اقتصادی و سیاسی برای رژیم ایران بوجود آورده است.

با این ترتیب مشخص است که اساس سیاست خارجی رژیم که در ارتباط با سیاست ضد انقلابی داخلش تعمیم میشود چیزی جز قرارداد شدن در نظام سرما به جهانی ودوری جستن از بلوک سوسیالیستی نیست اما همانطوریکه قبلاً توضیح دادیم با توجه به انزوا - سیاسی رژیم در بین کشورهای غربی و منطقه و در بین جنبشهای آزادیبخش بخصوص فلسطین، اینک تظا هره به نزدیکی با کشورهای بلوک شرق میکنند البته محافل امپریالیستی هم این مسئله را در بوق گذاشته و راه دیوها پنهان در - مورد این روابط غلو می کنند. اما در عین حال در ارتجاعی و جنبش خودش توازن را سعی میکند با مصالح خودش توازن را رعایت کند مثلاً وقتی ها شمی رفسنجانی به کره شمالی مسافرت میکنند بلافاصله از آنجا به مالزی، کشوری که کاملاً وابسته به غرب است مسافرت میکنند تا او از آنجا برقرار سازد. و با اگر مسافرتی به یک کشور شرقی یا کوبا میشود بلافاصله معاون وزارت امور خارجه در رأس هیئتی به پاکستان (که دروا بستگی و سرپرده گیش به آمریکا شکی نیست) سفر میکنند و مذاکرات بسیار دوستانه ای انجام - میدهد و قرارداد قابل توجهی بسته - میشود که ایران مبلغ چندین میلیارد از پاکستان خریداری میکند (طبق آمار وزارت بازرگانی طرف دوسال گذشته خریدهای ایران از پاکستان چند برابر شده و در مقابل صادرات ایران به پاکستان به نحو قابل توجهی کاهش یافته است) و با در کنار عقد قراردادها شمی با بلوک شرق اخیراً "دولت ایران اظهار تمایل به عقد قرارداد دوبرگی با دولت نظامی ترکیه کرده که از نظر اقلام قابل توجه میباشند.

ماهیت و علل وانگیزه رابطه کشورهای سوسیالیستی با رژیم جمهوری اسلامی:

اصولاً مبنای روابط اقتصادی شوروی با کشورهای تحت سلطه رقابت اقتصادی با غرب و گاهی نیز تحت عنوان کمک به راه رشد غیر سرما به داری توجیه میشود. ما چنین روابطی را در دوران شاه نیز در وسیع ترین شکل آن مشاهده کردیم و به پروژه عظیم ذوب آهن و غیره در فوق - اشاره کردیم. در مواردی این سیاست از جانب توجیه کنندگان آن "گندن یک مو از خر" بوده است. در مواردی این سیاست تحت عنوان اینکه کشور مورد قرارداد یک کشور زبندر است و با برقراری روابط اقتصادی پرورسه راه رشد غیر سرما به داری راهموار خواهر گردید پس آنه کردن ثنوریهای اولیا نفسکی مطرح بوده است که اینک کوبا با درس آموزی از شکستهای که در مبروسومالی و عراق و سوریه و بعضی کشورهای آفریقای نصیب این تکرار گردیده است تجدیدنظری در این تکرار رویزیونیستی راه رشد انواع اولیا نفسکی بعمل آورده و با حصر و تعدیلاتی نزدیکتری توسط پونه ماریف فرموله شده است. ثنوریسین های شوروی معتدند که پیش از ۱۹۵۰ کشور مستقل وجود دارند که زیر سلطه قرار دارند، که با پدید آینه کمک شود تا استقلال خود را حفظ و توسعه دهند. با توجه به اینکه ۹۰ درصد آنها حتی فاقد استقلال سیاسی اند. در حالی که در همین بیان تضاد وجود دارد، چگونه کشور مستقلی است که تحت سلطه است؟! اما از این مسئله که بگذریم تجارب تاریخی نشان داده است که روابط شوروی و سایر کشورهای بلوک شرق کوچکترین تاثیر دروا بستگی کشورهای تحت سلطه به سرما به جهانی نداشتند و ندارد. مگر ما شاهد نبوده - ایم که رابطه شوروی و بلوک شرق با رژیم شاه و هم اکنون با رژیم جمهوری اسلامی که اساس اقتصادش در چارچوب وابستگی و نظام سرما به جهانی بوده و هست چیزی ما و رای آن عمل کرده است؟ اما اگر اساس سیاست دیپلماتیک و سیاسی دولت شوروی با کشورها در ابتدای تشکیل دولت شوروی بر اساس سیاست لنینی همزیستی مسالمت آمیز استوار بود، سیاست درست و انقلابی که دیپلماتی را در خدمت ایدئولوژی قرار میداد، و در خدمت انقلاب جهانی قرار داشت، متأسفانه به مرور این سیاست ماهیت خود را از دست داد و با روی کار آمدن خروشچف این دیگر ایدئولوژی بود که تحت انشا ع دیپلماتی و زودبوندهای آن قرار گرفت. در سالهای گذشته سیاست شوروی - داشتن روابط حسنه با ایران و کوشش در حفظ این روابط و کنار نگه داشتن ایران بطور رسمی از بلوک بندیهای نظامی بوده است. دولت شوروی که از سال ۱۳۹۹ تا ۴۱ در یک جنگ تبلیغاتی با رژیم ایران بود بعضی اینکه دولت ایران در چرخه اعلام کرده با دولت آمریکا قرارداد دوجانبه نظامی منعقد نخواهد کرد تمام تبلیغات را دیوشش را علیه رژیم ایران قطع کرد و بنای تعریف و تجمید از اصلاحات شاهانه را گذاشت. در حالی که همه میدانیم زسال ۴۲ نزدیکترین روابط اقتصادی - سیاسی و نظامی بین ایران و آمریکا برقرار گردید تا آنیکه ایران بعنوان ژاندارم خلیج تعیین گردید و در اجرای این وظیفه به عمان - لشکر کشی کرد و جنبش آزادیبخش خلق ظفار را سرکوب کرد و تاج و تخت سلطان قابوس این نوکرسرپرده آمریکا را برایش

نگهداشت و این دولت را بعنوان پایگاه آمریکا تثبیت کرد. گذشته نشان داده است که سیاست شوروی در ایران به تبعیت از تهرانی رویزیونیستی خروشچفی حفظ و ضرع موجود بوده است و پیوسته از تغیر و تحول در ایران و همه داشته است. بهمین دلیل می بینیم دولت شوروی و سایر کشورهای بلوک شرق تا چند ماه قبل از سقوط شاه بهترین رابطه را با رژیم در حال زوال محمدرضا شاه داشتند و حزب توده هم بعنوان مجری سیاستهای شوروی در ایران، طرفدار روی کار آمدن جناح دروآندیش هیئت حاکمه (پعینی - انصاری و دارو دستاش) در ایران بود. در حال حاضر هم تمام کوشش دولت شوروی جلب رژیم جمهوری اسلامی بسوی خود ودوری از غرب است. بستن هر چه بیشتر قرارداد های اقتصادی، کم کردن جنبه های ضد "شقی" رژیم، (بدون اینکه اهمیت به ماهیت ضد کمونیستی و ضد دمکراتیک رژیم بدهد) می باشد. در زمینه اقتصادی تقویت سیاستهای سرماییه داری دولتی و دولتی کردن تجارت خارجی مورد نظر است چون در انصورت امکان تجارت بیشتر با شوروی و بلوک شرق وجود خواهد داشت. از نظر سیاسی و دیپلماتی نگه داشتن ایران در زمره کشورهای بی اصطلاح غیر متعهد میباشند. حال به اینجا میرسیم که ببینیم آیا - اتخا ذ چنین سیاستهای اقتصادی و سیاسی از جانب رژیم جمهوری اسلامی و روابط اقتصادی - سیاسی کشورهای سوسیالیستی دلیل انقلابی، مترقی و خلقی بودن رژیم است؟ همانطوریکه گفتیم با وجود ظاهر پرسروصدای رابطه با بلوک شرق، مبادلات اقتصادی ایران با کشورهای سرماییه داری غرب چندین برابر کشورهای سوسیالیستی است. برای مثال مبادلات کشور شوروی و بلوک شرق به سختی به میزان زمان شاه میرسد در حالی که واردات ایران از کشورهای غربی ۷ - برابر شده است و همانطور که همه میدانیم در سال ۵۹ سودخالص تجارت بزرگ ۲۵۰ - میلیار تومان بود، که همه کشورهای سرماییه داری بوده است. اما از این مسئله که بگذریم داشتن روابط اقتصادی - دیپلماتیک و سیاسی با کشور شوروی و اروپای شرقی و کوبا و ویتنام بهیچوجه دلیل آن نیست که دولت ایران دولتی خلقی و ضد امپریالیست است. دولست شوروی سیاستهای شاه در مورد اصلاحات ارضی را تا شید کرد و ۱۵۰ هزار عا عمل یکمده عناصار جاعی و طرفدار مالکان نامید که برای جلوگیری از اصلاحات ارضی دست به شورش و بلوا زده بودند. در حالی که میدانیم که اصلاحات ارضی یک برنام حساب شده بدستور امپریالیستها بود و بهیچوجه از ماهیت انقلابی و مترقی رژیم شاه نشأت نمیگرفت. و با راهها دولت شوروی کوبا و ویتنام و چین سیاست شاه را در مورد او یک ستودند و آنرا اقدام ضد امپریالیستی رژیم شاه نامیدند در حالی که میدانیم دولت شاه نقشی در او یک کاملاً در خدمت انحصارات نفتی بود.

نمونه های نزدیکتری که هم اکنون جلوی روی ماست دولت عراق و موضع شوروی و کشورهای بلوک شرق نسبت به آن است هیچ کس در ایران در ضد انقلابی و ضد خلقی بودن دولت عراق شکی ندارد. (نه نیروهای انقلابی، نه رژیم، نه حزب توده و نه اکثریتها راست) در غرضود بقیه در صفحه ۸

### اخبار کردستان

بقیه از صفحه ۱  
سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب مردم و به اصطلاح مزدوران، با کمازی روستاهای اطراف سنندج به منطقه (ها) نیس، خیابده، کانی بوچکه له) وارد میشوند در روستای کانی بوچکه له با مقاومت پیشمرگان حزب دمکرات روبرو میشوند و این در حالیکه پیشمرگان فدائی در آن منطقه به چوله سیاسی - نظامی مشغول بودند. در این حال پیشمرگان فدائی نیز وارد درگیری شده و از ساعت ۱۰ صبح تا بعد از ظهر درگیری ادامه پیدا میکند. در دقایق اول درگیری یک ماشین سمرغ حامل گالیبر ۵۰ همراه با خدمه از کار می افتد و طبق اطلاعات رسیده پیش از ده نفر از جا شها و پاسداران کشته و تعدادی دیگر زخمی میشوند. شدت ضربه بعدی بود که سه آمبولانس چندین بار به محل درگیری آمد و کشته و زخمی ها را حمل کردند. در این درگیری یکی از پیشمرگان فدائی و یک پیشمرگ دمکرات بطور سطحی زخمی شدند. پیشمرگان پس از درگیری وارد روستاهای منطقه میشوند و مورد استقبال گرم روستا - نیان قرار گرفتند.

۱۴ مبارز قهرمان در سنندج مخفیانه به جوخه های آتش سپرده شدند  
نقل از خبرنامه شماره ۳ تشکیلات جنوب کردستان - ۶۰/۷/۱۴

پنا برای خبر غیر رسمی و اعلام نشده جلاد رژیم اسلامی ۱۴ نفر از کسانیکه را که در زندان بوده و محکومیت خود را می گذارند به جوخه های آتش سپردند. مزدوران حکومت با وجود اینکه بارها پدران و مادران پیشمرگان یا زندانیان را شبانه از خانه هایشان بیرون کشیده و به زندان برده اند، جا شها و عوامل خود فروخته آنها را بعناوین مختلف مورد هانت قرار داده اند، ولی جلادان جمهوری اسلامی می بایند بدانند که نه با آزار و اذیت خانواده ها و نه با اعدام افراد بی گناه نمی توانند در راه آهنگین خلق برای آزادی سدی ایجاد نمایند. اعدام شدگان از جمله معلمین و دانش آموزان و یا از خانواده پیشمرگان و شهدای جنبش بودند که رژیم برای زهر چشم گرفتن و ایجاد فضای رعب و وحشت این افرادی گناه را نا جوانمردانه به جوخه های آتش سپرد. رژیم زاین جنایت اهداف متعددی را نیز دنبال میکند از جمله آسان سازی زندان مدارس با کشتار دانش آموزان زندانی می خواهد از حرکت توفنده دانش آموزان جلوگیری کند ولی زهی خیال باطل. گرامی باد یاد شهدای بخون خفته خلق.

\* تظاهرات در سنندج :  
۶۰/۷/۲۱ - سنندج بدست ایدامهای پی در پی مبارزین و جوخه فانی که به وسیله رژیم ترور و اختناق ایجاد شده، تظاهرات موضعی در ساعت ۱۰ صبح روز ۲۱ مهر در خیابانهای سنندج انجام گرفت تظاهرات کنندگان با شعارهای مرگ بر ارتجاع، درود بر انقلاب - انقلابی می ریزد، ارتجاع می لرزد - زندانی سیاسی آزادی پذیرد و شعار - هائی به پشتیبانی از جنبش مقاومت به حرکت درآمدند. اما پاسداران و جا شها با تیراندازی شدیدی تظاهرات کنندگان را

متفرق میکنند و وعده ای را دستگیر میکنند - بنا زظهر همین روز در ساعت ۴/۵ - تظاهرات دیگری از ابتدای خیابان فردوسی شروع میشود و این بار هم وسیله مزدوران ازادامه جلوگیری بعمل می آید و چند نفر دستگیر میگردند. مردمی که در پیاپی راهی اطراف بودند به علت علاقه مندی تا ظربوده و حمایت معنوی خویش را اعلام میکردند.

پاسداران با زور و وسیله نقلیه ای را که پیدا میکردند سوار شده تا خود را به تظاهرات برسانند و ازادامه آن جلوگیری نمایند و در حین خود را از دست داده بودند یک راننده تا کسی از بردن آنان خودداری میکند و با پاسداران مشاجره مینماید و با وساطت مردم که به کمک راننده تا کسی آمده بودند قضیه خاتمه می یابد. پاسداران، انقلابی جوانی را دستگیر کرده و می خواستند با ماشین به مرکز سیاه بگردند که مورد اعتراض مردم قرار میگیرند دستگیر شده شتر میبندد و با جادای بلند میگفت "بگذارید مرا اعدام کنند یا اعدام من دونفر دیگر به مبارزه خواهند پیوست" بالاخره او را به مرکز سیاه میبرند بعد از این واقعه پاسداران و جا شهای مزدور به خانه گردی و دستگیری در شهر میپردازند. این حرکات اعتراضی در روزهای آینده می رود که به سیل بنیان کنی تبدیل شود و با سلطنت ننگین و جنایت - بار رژیم جمهوری اسلامی را در هم بریزد.

\* انفجار بمب وسیله مزدوران رژیم ۶۰/۷/۱۰ - سنندج: در روز انتخابات ریاست جمهوری در خیابان سیروس جلوی یکی از مساجد با زار بمبی منفجر میشود که ۳ نفر کشته و حدود ۲۴ نفر زخمی میشوند بعد از انفجار حکومت در تبلیغات -

را دیوبی خود این عمل جنایتکارانه را به نیروهای انقلابی نسبت میدهد. جلادان قصد داشتند تا بهی با انفجارات شهرهای دیگر در ذهن توده ها ایجاد کنند. اما مردم مبارز سنندج خوب میدانند انفجارات شهرهای دیگر که وسیله نیروهای انقلابی انجام میگردد تا ما "علیه عوامل رژیم و باندهای سیاه بوده و انفجارات در میا دین و معا برعمومی که موجب کشتار مردم گردیده همگی توسط مزدوران رژیم برای بدنام کردن نیروهای انقلاب صورت میگیرد رژیم میباید مدظنی رسالتی جز کشتار خلق ندارد و این انفجار سنندج دیگری از جنایات بی شمار رژیم میباید شد که به تلافی تحریم انقلابی انتخابات رئیس جمهوری از طرف مردم صورت گرفت.

در روز ۶۰/۸/۱۱ توسط انقلابیون یکی از جا شهای مهم رژیم بنا خدا مراد کروس و مسئول تحقیقات سپاه پاسداران که شیدا "مورد تنفر مردم بود ترور میشود. انقلابیون این عمل را در خیابان شهدای سنندج انجام میدهند و پس از مصافحه کلت جا شها میرده صحنه را ترک می کنند. در هفته قبل نیز در همین محل جا شها معروفی قتل مزارعی که مردم را اذیت و آزار بسیار نموده بود ترور میشود. این جا شها مزدور اهل یکی از روستاهای اطراف قروه میباید و پس از قیام مقدار زیادی پول از مردم اخذی نموده است.

اورامانات  
چندی قبل در یورش جا شها و پاسداران

به منطقه اورامانات ۶۲ نفر از افراد مسلح دستگیر و تسلیم میشوند که بخشی از آنان را فرد مزدور زرگاری بودند. پاسداران به مردمی دفاع منطقه نیز حمله کرده و آنان را که تفتنگ های شکاری داشته اند بنا بر افراد زرگاری دستگیر می کنند و خانه های دهقانان زحمتکش را بنا بر اموال زرگاری غارت مینمایند. در ۱۷ مهر بنا به خبر غیر رسمی ۶۲ تن از آنان را اعدام میکنند.

مردم زحمتکش اورامانات که مدت ۲ سال است در غیاب نیروهای جنبش مقاومت تحت تاثیر مزدوران زرگاری قرار گرفته بودند و برخی آنان نا آگاهانه از این نیرو پشتیبانی میکردند، قربانی خیانتکاری رهبران زرگاری شدند و پس از فرار - سرمداران زرگاری دستگیر و تسلیم میشوند. و بلافاصله توسط جنا پیکاران رژیم اعدام گردیدند. رهبران زرگاری توسط حکومت بعضی عراق تغذیه شده و وعده ای را مسلح نموده بودند که اگر اکننده سیاست های رژیم بهت در منطقه بودند و با رهبا علیه نیروهای انقلابی توطئه و چند نفر از آنان را شهید نموده بودند. در حمله اخیر

رژیم با اینکه آنها تسلیم گردیدند ولی با زهم توسط سرکوبگران اعدام شدند. این واقعه با پدرش خوبی برای جا شها و خود فروختگان باشد. آنکه به منافع خلق خیانت میکنند در پیشگاه خلق محکوم هستند و اگر هم تسلیم سرکوبگران رژیم شوند با زمرگ در انتظارشان است لذا تا دیر نشده و اگر تا حال مرتکب جنایتی علیه انقلابیون نشده اند باید خود را به نیروهای جنبش مقاومت تسلیم نمایند در غیر این صورت سرنوشتی بهتر از مزدوران زرگاری نخواهند داشت.

راهپیمائی اهالی نسل ۶۰/۷/۱۰ - مریوان: مزدوران جنا پیکار رژیم در این روز برای با اصطلاح پاکسازی به روستای نسل از توابع مریوان - یورش میبرند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار میدهند که دست و پایی چند نفر از اهالی را میشکنند، مردم نسل علیه آنان اعتراض میکنند جا شها و پاسداران در پاسخ، روستا را به خمپاره می بندند. مردم دست بیک راهپیمائی بطرف "سروآباد" میزنند که در بین راه توسط نیروهای سرکوبگر به گلوله بسته شدند. یک زن زخمی و وعده ای با زدا شد میگردند. اما مردم با وسایل مختلف خود را به مریوان میسراند و در دادگاه با اصطلاح انقلاب تحمن میکنند و دستگیر شدگان آزاد میشوند.

زحمتکشان کردستان زمین و آزادی میخواهند که خارج از توان حکومت ضد خلقی میباید شد و به همین خاطر مزدوران رژیم هنگامی که به مناطق روستایی وارد میشوند با اعتراض یکبارچه مردم روبرو میشوند. زیرا سرکوبگران خلق با زور سرنیزه میخواهند هفتایان را از این خواسته های بحق با زدارند. قبل از ورود پاسداران و جا شهای خود فروش به روستای نسل و دهات اطراف مریوان این منطقه محل استقرار - پیشمرگان فدائی بوده و به مدت چندین ماه در مقابل سرکوبگران مقاومت کرده بودند. اهالی روستای نسل با مقاومت و اعتراض یکبارچه خویش در مقابل مزدوران رژیم از یک سو حمایت و پشتیبانی خود را از پیشمرگان جنبش و از سوی دیگر نفرت و انزجار خود را علیه رژیم ترور و سرکوب اعلام داشتند.

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

## مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

### تبرنج کاران

پس از تشدید تهاجمات دیکشا و وزان شمال با دولت بر سر قیمت گذاری برنج، فرمانداران استان برای سخنرانی به روستایی آمده بود. ضمن سخنرانی گفت "دولت قول میدهد که قیمت سایر اجناس را پایین بیاورد، شما هم برنج را به همین قیمت بفروشید" یکی از کشاورزان که به سخنرانی او گوش میداد با تمسخر سرش را تکان داد و خطاب به بخل دستیاش میگفت "اینها دو سال است که به ما وعده میدهند تا شاید ما را فریب دهند" دهقان سالخورده که پهلوی او ایستاده بود گفت "موقفی که کود و بذر نداریم سراغ ما نمی آید و وقتی که برنج را میخواهیم بفروشیم فوراً "بایسک دنیا وعده وعید میآید سراغمان" - فرماندار به سخنان خود ادامه میداد و میگفت "اینها که دم زخلق میزنند چکار برایتان کرده اند؟ که در همین حین - کشا و رزی که صورت پرچینشان نشان از سالیانه زحمت و رنج داشت زمزمه کرد "شما که همه را فدا خلق میدانید برای ما چه کار کرده اید" و پس جوانی خطاب به او گفت "خیلی کارها کرده اند مثلاً" مسال دو طرح به تفصیل

مستضعفین دادند یکی از آنها در مورد خرید بیله بود که دیدیم با زتجار و روا سطرها دستشان باز بود. طرح دوم هم خر، مد برنج است که حتماً با زهم دست واسطه ها و تها زاست "کشا و رز پیرگفت "خوب دیکه مستضعفین اینها همین کردن - کلفتها هستند"

یکروز پس از اینکه بسیج برای - چندمین بار به روستایان اخطار کرده بود که حتماً "برنج" هایشان را به دولت بفروشند در قهوه خانه های در یکی از روستا های لاهیجان دهقانان دور هم جمع شده بودند و راجع به این مسئله صحبت میکردند دهقان پیری با عصبانیت فریاد میزد "چطور من برنج را کیلویی ۱۷ تومان بفروشم در صورتی که در - مقابل آن مغزگردور را کیلویی ۱۳۰ - تومان و گوشت را کیلویی ۱۰۰ تومان بخرم کشا و رز دیگری که حدود ۲۰ ساله بود ادامه داد "شما درست میگویید همه چیزگران است طرف هرچی بروی چند برا بر شده است حتی در زمان شاه هم قیمت ها اینقدر بالا نرفته بودا نوقت - میگویند برنج تعاونی شده و باید - کیلویی ۱۷ تومان بفروشید. آخه اگر برنجت را و بیج شده چرا جنسهای دیگر را تعاونی نمیکنید" همه "اعتراض در گرفت یکی میگفت "یا دولت در فکر این هست که وسایل کشا و رزی مثل خرمنکوب یا تراکتور و کودوسم را به ما بدهد تا لااقل از این بابت ضرری -

نبینیم" روستایی جوانی که بیست - در شهر کار میکند میگفت اگر نرخ خرید را بالایی بر ندانند لااقل جلوی واسطه ها و به قول خودشان مختصرین را بگیرند. و قیمت اجناس را در بارها را پایین بیاورند" دهقان حدود ۴۰ ساله ای وارد قهوه خانه شد و در حالی که می نشست با خشم تمام گفت "به اصطلاح انقلاب کردیم مثل اینکه درختهای گردوی سرباغ هم با انقلاب خمینی تا سازگاری دارند اگر آنوقت ۲۰۰ گردوداشتیم الان نه تنها نداریم بلکه درختها هم افت زده و خراب شده اند. بخشکی شانس "همان روستایی جوان حرفش را قطع کرد و گفت "حاکمیت گسور خود را با ارزان کردن قیمت برنج کنده است چون این مسئله ترسوها را هم به حرف در آورده است "تا زهوا و ردا خم کرد و کشا و رز مسنی با چشم غره به روستایی جوان گفت "حالا وقت این حرفها نیست بهتر است یک نفر را انتخاب کنیم که وقت بیشتری دارد و میتواند دنبال کارهایمان را بگیرد ما که همیشه نمی توانیم دور هم جمع شویم" کشا و رز حدود ۳۰ ساله ای بلند شد و گفت "من را به نما بندگی قبول او ریست همه جواب مثبت دادند و روستایی ادامه داد "خوب ما برنجها یمان را می فروشیم اما نه با این قیمت بلکه با قیمتی که خودمان تعیین کنیم" صدای "درسته" "درسته" از هر طرف بلند شد. - فرادی از رزوبین یک روستایی و بسیجی مسئول خرید سر قیمت برنج - مشاخره در گرفت. بسیجی گفت "برنج تو

### در حاشیه

بقیه از صفحه ۶  
عراق هم حزب کمونیست، جنبه میهنی کردستان (جلال طالبانی) و سایر نیروهای خلقی دولت عراق، با ضد انقلابی و ضد خلقی میدانند و جنبه ای دمکراتیک برای سرنگونی آن تشکیل داده اند - با رها این جنبه از طرف حزب توده و اکثریت مورد تائید قرا گرفته است. اما از آن طرف دولت شوروی و کشورهای اروپای شرقی، کوبا، ویتنام، این کشور را ضد امپریالیست میدانند، بهترین روابط (حتی بسیار حسنه تر از ایران) با آن دارند و این موضع خود را با رها تا شید کرده اند و در مقابل بین المللی و در کنفرانسهای غیر متعهدها، سازمان ملل و... از موضع ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی عراق، ستایش کرده اند. همین چند روز پیش بود که روزنامه "جمهوری اسلامی" نوشت که کشورهای بلوک شوروی (کشورهای همپایا قتمادی) قرارداد دیزرگی برای چند سال آینده با دولت عراق منعقد کردند. حال باید سؤال کرد قضاوت ما و نیروهای انقلابی درون عراق در مورد ما هیت دولت عراق با بدبینی سیاسی است یا به داری این کشور، سیاستهای ضد خلقی و اختناقسی و جایگاهش در مبارزه طبقاتی تعیین گردد و یا روابطش با دولت شوروی و کشورهای سوسیالیستی و موضعگیریهای سیاسی این کشورها در مقابل عراق؟ آیا تشکیل جنبه متحد خلق برای براندازی دولت عراق که از جانب حزب کمونیست عراق و کردها و سایر نیروها تشکیل شده است حق است یا اینکه آنها غلط کرده اند با وجود موضع کشورهای سوسیالیستی چنین جنبه ای تشکیل داده و برای براندازی دولت عراق مبارزه میکنند؟  
مسلمان "کسی پیدا نمیشود نظردوم را تجویز کند. پس نتیجه میگیریم که ما هیت دولتها را روابط و موضعگیریهای شوروی

و بلوک شرق که بر اساس هزارویک مسئله ژئوپولتیکی تعیین میشود حتی میتواند انحرافی و اشتباه و ناشی از نداشتن تحلیل واقعی از اوضاع کشور باشد، تعیین نمیکند. چنانچه تا ریح کشور خود ما گواه است که شوروی و سایر کشورهای بلوک شرق از سال ۱۳۲۹ تا سال ۱۳۳۱ از مصدق تحلیل نادرست داشتند، او را وابسته به امپریالیسم و محافظ آمریکا میدانستند و سپس در سال ۱۳۳۱ نظرشان را تصحیح کردند که مصدق وجهه ملی نمایند - بورژوازی ملی ایران بوده است. پس آنچه ما هیت یک کشور را تعیین میکنند سیاستهای داخلی و خارجی آن، جایگاهش در مبارزه طبقاتی و صف بندی در میان طبقات، برخوردش به سرمایه داری جهانی است... روابطش با کشورهای سوسیالیستی و موضعگیریهای این دولتها نسبت با این کشور.  
بنابراین آنچه گفته شد این سؤال مطرح است که سیاست ما رکیستی - لنینیستی در مقابل سیاستهای اقتصادی و موضعگیریهای سیاسی کشورهای سوسیالیستی چیست؟ هما نظوریکه گفته شد ما ما هیت رژیم کشورمان را از تحلیل یافت اقتصاد آن جایگاهش در مناسبات تولیدی و طبقاتی و عملکردهایش در عرصه داخلی و خارجی تعیین میکنیم نه از مناسبات آن با این یا آن کشور سوسیالیستی و یا موضعگیریهای این یا آن کشور سوسیالیستی در مقابل آن بدیهی است که ما به همزیستی مسالمت آمیز لنینیستی اعتقاد داریم و نمیتوانیم منکر روابط اقتصادی و دیپلماتیک کشورهای سوسیالیستی با دولت های سرمایه داری باشیم. اما این هم بدیهی است که ما همزیستی مسالمت آمیز را در ارتباط ناگسستی با انترناسیونالیسم پرولتری میدانیم. لذا ما انتظار داریم و در این جهت مبارزه میکنیم که موضعگیریهای سیاسی دولت های سوسیالیستی بر اساس انترناسیونالیسم پرولتری بوده و منافع خلقهای ایران و بخصوص

طبقه کارگران ایران را مدنظر داشته باشد و ایدئولوژی زافدای دیپلماتی و روابط اقتصادی نکند.  
اما در مورد موضعگیریهای سیاسی دولتهای سوسیالیستی که در روابط با یک دولت ضد خلقی و ضد انقلابی و آزادبکش و ضد دمکرات و ضد منافع زحمتکشیمان اتخاذ میشود عمل کرد ما چنین خواهد بود: اگر این موضعگیری درست و بر اساس واقعیت و ذاتی رژیم محکومیت این دولتهای باشد آنرا تا شید میگیریم و اگر خلاف واقعیت باشد از آن انتقاد کرده آنرا طرد و محکوم میکنیم. نمونه چنین برخوردی در گذشته از طرف انقلابیونراستین و اخیراً از طرف سازمان ما در نامه ای که به کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای آزادیبخش نگاشته شد انجام گرفته است با بدیای این دولتها تذکرده ایم و آنرا را نسبت به عواقب ناگوار موضعگیریشان آگاه سازیم. اما این امر نباید ما را به موضعگیریهای انحرافی، نظیر آنچه در ابتدای این مقاله به آن اشاره کردیم، برساند. مثلاً با یک موضع گیری غلط یک دولت انقلابی نظیر کوبا و یا کره، ما هیت آنرا زیر سؤال ببریم، ما نسبت به این موضعگیریهای غلط یک کشور انقلابی انتقاد نمیکنیم و حتی اعتراض هم نمیکنیم نظیرا اعتراضی که اخیراً - دانشجویان ایرانی بدستی جلوی سفارتخانه های ویتنام و کوبا در پاریس بعمل آوردند و نسبت به موضعگیریهای غلط آنها اعتراض کردند و آنان را وادار کردند که رسماً "اعلام کنند که" ما نسبت به رژیم ایران تا شید سیاسی نکرده ایم و کشا رژیم را نه تنها تا شید نکرده ایم، بلکه شدیداً آنرا محکوم میکنیم. اما بیست سیاست ما رکیست - لنینیستی در مقابل انحرافات و اشتباهات کشورهای سوسیالیستی و مترقی، بدیهی است همین سیاست در مورد جنبشهای آزادیبخش نیز مصداق خواهد شد.



### ارزیابی ذهنیات حاکم پرتوده‌ها

شهریورماه ۱۳۶۰

هما نگونه که پیش از این طرح کردیم از این پس به ارائه جمع‌بندی‌های از گزارشات توده‌ای میپردازیم تا تحولات و تغییرات حاصل در ذهنیات حاکم پرتوده‌ها بشکلی روشن به‌تصویر آید. در اینجا با ردیگر برضروت توجه هرچه بیشتر رفاقا به مرکز ارشد می‌توانیم. بخصوص از تصاویر و نقاشی‌ها چون انتخابات بشکلی بسیار فعال به تهیه گزارش میپردازیم و در رابطه با هر حرکت رژیم و هر جنبش توده‌ای این نیرو و توان را بکار میگیریم. بخصوص همواره بکوشند از مراسم فراموشی رژیم‌چون راهپیمایی‌ها، تظاهرات، جمع‌و‌تجمع‌های مساجد و... گزارشات ارسال دارند. این امر در شرایط کنونی که با ردیگر تظاهرات درونی حاکمیت میروند تا اوجی نوین با بدایا اهمیت هرچه بیشتری برخوردار است. زیرا که مسلماً "بشکلی ناگزیر این تظاهرات در چنین مراسم و مجامعی (بخصوص در مساجد و سخنرانی‌ها) بروز بیرونی خواهند یافت. در عین حال تاکید میکنیم که همواره و در تمام گزارشات پایگاه‌ها طبقاً به افراد رابطه‌شکل‌ها هرچه دقیقتر مشخص کنید.

**تغییرات و تحولات حاصل در ذهنیات توده‌ها در دوماه شهریور و مهر در ابتدا از جنبه مورد ارزیابی قرار میدهم از یک سو سیر رو به گسترش روحیه اعتراضی توده‌ها و اشکال بروز آن و از سوی دیگر با زتاب و قیام مهم این دوماه در ذهنیات توده‌ها. در ابتدا با تکرار بی‌درستی موجود در مردم حکومت آید، محسوس فعالیت‌های تبلیغی و ترویجی پیشرو در راستای پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق را یادآور میشویم.**

#### رشد روحیه اعتراضی توده‌ها

اعتراضات و مبارزات توده‌ها، هر چند بشکلی تدریجی و بطئی، رو به گسترش است و هر روز، هر هفته و هر ماه که میگذرد متکامل تر گشته با ردیگر اشکال آشکار خود را با زمینیه بد. هر چند هنوز هم به روش علنی چشم و نگرش مردم از رژیم در وجه غالب خود را زکاتال مشکلات و فشار اقتصادی میگذرد اما در این دوماه - شهریور و مهر - بارگه‌های از ارتقاء اعتراضات علنی توده‌ها به مسائل سیاسی مواجهیم. این اعتراضات عمدتاً بروز آنجا رو چشم توده‌ها در رابطه با درنده‌خویی رژیم و اقدامات ضد سوسیالیستی فرزندان قهرمان خلق است. اعتراضات مستقیم نسبت به اقدامات و دستگیری‌ها محدود است. غالباً "اعتراضات با مسائل اقتصادی آغاز میشود و آنجا به اعتراضات سیاسی ختم میگردد. محورها اعتراضات سیاسی مسئله اقدامات و وحشیانه رژیم است و سنگینی‌ها در مرحله دوم قرار دارد. در وجه کلی سرعت افزایش اعتراضات سیاسی نسبت به کل اعتراضات سیری فزاینده دارد و هر چه به پای این مقطع نزدیکتر میشویم این وجه از اعتراضات بیشتر میشود. اما در تمام مقاطع بروز اعتراضات سیاسی یکسان نیست. بعد از آنجا رنجست و زبری شاهد افت این وجه از اعتراضات و در اوایل مهرماه شاهد اوج هستیم که این اوج عمدتاً "بر اثر تکیه‌های جدید مجاهدین

مسائل سیاسی از سطح به عمق کشیده - میشود بشکلی که در اواسط مهرماه در برخورد با تاند تفکر و تعمق دریا فتن اشکال مقابلیه با حاکمیت هستیم. در گزارشی به تاریخ ۶۰/۶/۸ آمده است: "... مردم عدا ماها و شکنجه‌ها و کتلا" اخبار سیاسی را میخواهند به هر طریق که شده بفهمند، خودشان هم به این نتیجه رسیده‌اند که گروه‌ها به تنهایی نمیتوانند کاری بکنند و آنها هستند که باید اقدام کنند. به قول خانمی میگفت با بداند مردم تحت فشار اقتصادی و سیاسی قرار بگیرند تا کاسه صبرشان لبریز شده و به کوچ‌ها بپریزند که دیگر هیچ قدرتی جلوی آنها را نمیتواند بگیرد. اکنون این سؤال در ذهن همگی است که به چه طریق میتوان از این جو فراگرد و این چهارچوب را شکست

هرگاه بخواهیم اعتراضات توده‌ها نسبت به اقدامات و دستگیری‌ها را که در مجامع عمومی بروز علنی می‌یابد دسته بندی کنیم می‌توان گفت الف: آنجا که و نگرش از اقدامات و کشتار جوانان، و در وجه ضعیفتر بر اثر نگرانی از وضع زندانیان سیاسی ب: حمایت مادی و معنوی از انقلابیون و احترام شدید نسبت به آنان. رفیقایی می‌نویسد "او خورشید یور به یکسی از با نکهت رفتیم. چنین صحنه‌هایی را ندیده بودم کارمندان بانک بدون استثناء به اعدای روز قبل در مقابل همه - مشتریان با صدای بلند اعتراض میکردند یکی از آنها میگفت: دیروز قتل عام کردند، دیگری با طنز خاصی میگفت "قتل عام نه بلکه اعدام انقلابی! این قاطعیت انقلابی است! و کارمندان بانک میگفت اینها بی شرمی را از جگه‌ها انداختند - جوانهای مردم را ساعت ۴ بعد از ظهر دستگیر میکنند ساعت ۸ شب اعدام میکنند" در گزارشات دیگر نیز به موارد متعدد از این گونه اعتراضات بر می‌خوریم دختر محصل خرده بورژوازی متوسط میگفت "دولت عوض اینکه به دست سرما به داران را کوتاه کند و کالاهای اجناس را به قیمت ارزان در خدمت مردم قرار دهد می‌باید جوانان را ملکت را گروه اعدام میکند" جوانان میگفت "این بلاهایی که بر ما می‌دهد ما را زیر سر همین سرما به دارهاست هیچکس دیگه این وسط تقصیر ندارد بلکه تو بیکاری با او جوانهای بیگناها اعدام میشوند همه اش تقصیر همین سرما به دارهاست" در شرایطی که در این زمانه خون است هم جوانان را از دست میدهم، هم تو صف با پستم هم صبح تا شب فحش و توهین بشنویم "را ننده تا کسی به پا سداری متکلم میگفت یکی از مسافرها گفت "قا مواظب باش اینها دیوانه هستند یک دفعه عصا نی میشوند و همه ما را زیر رگبار میگیرند" را ننده میگفت "به چشم وقتی بچه‌های ۱۵ ساله ما دارند اعدام میشوند غیرت ما کجا رفته که می‌ترسیم کوچکترین حرفی بزنیم" یک دهقان شمالی میگفت "اگر حکومت با این کارهای خود که برنج را ۱۷ تومان قیمت گذاری کرده است و جوانان را دست‌دسته اعدام میکند بخواهد ادا می‌دهد ما در مقابلش خواهیم ایستاد" کا رگر مکالمی در تالکسی میگفت "۲۰/۰۰۰ زندانی داریم اینها که شرم و حیا ندارند همه شون را میکشند" بهر مرد خرده بورژوازی

را میگردیم یعنی با سخ مغالطین را با اعداد و تیرباران و شکنجه میدادند لیلیش این بود که ما هدف اصلی ما از جانات شاه با خبر نبودند در نتیجه از ترس اینکه مردم را آگاه نکنند آنها را میکشند این رژیم هم همان کارهای شاه را می‌کند اما به قول همکارانم در پوشش مذهب "روند شکل گیری و رشد اعتراضات - سیاسی در تمام شهرستانها نیز به وضوح به چشم می‌آید. کا رگر مستی در تبریز میگفت "رژیم با این کارها ننه تنها نمیتواند جای خود را محکم کند بلکه برای خود دشمن می‌تراشد فکرش را بکنید یک نفر تیرباران میشود چند نفر مغالط میشوند، برادرزاده خودم دستگیر شده است ۲۵ نفر فقط از خانواده ما از این رژیم ناراضی شده‌اند خانه - دار رفیقی در لاهیجان میگفت "اینها با این اعداد ما گور خود را می‌کنند" بهر زحماتش در تبریز میگفت "توشه‌های غنی راحت آدم میکشند یک کاغذی میگذارند توی جیبیت بعد تو خیا بان می‌پریزند و سرت و کاغذ را بیرون میکشند و بچرم اعلام میداد شستن تیرباران می‌کنند" کا رگر جاکسی در همدان میگفت "هر کسی حرف بزند میگویند ضد انقلاب به ما م توهین کرده می‌برند اعدا می‌کنند" در مشهد کا رگر جوانی میگفت "با پدیک فکری کرده‌ام را می‌کشند با پدیک اون روزهای قیام همه دست به دست هم میدهند از خوب دست صدا ندانند" در گزارشی از بخش کا رگری آمده است "در کاغذها تها بسیار از کارگران و کارمندان بهر شکل و صورت کسی از خانواده‌شان گرفتار رژیم است چه بصورت اعدا موجه بصورت زندانی از همین رو بحث‌ها بر سر اعدا م زود با لایمیکرد" کا رگر ما شین سازی - اراک میگفت "از اخراج لولوسرخرمن درست کردند و با اعدا مردم را می‌تراشند از شاه هم بد بخت تر هستند هیچکس باها شون نیست" و خانم خانه دار ۵۰ ساله‌ای از اقشار زحمتکش و فقیر میگفت "این سالها ما که هستیم چرا این پدر و مادرها را در یک ساعت و یک روز معین به خیا بان نمی‌کشند که شاد آزادی زندانی سیاسی را بدهند مثل همان - موقع ها که وقتی مخالفان شاه شعار زندانی سیاسی را دادند چون عده آنها زیاده بود موافقین رژیم همه خفه خون گرفتند" فدائیکاری انقلابیون در پای چوبه - های دار و در مقابل جوخه‌های اعدام قهرمانی‌های انقلابیون در زیر شکنجه - های جلادان و در سایه‌های رژیم و حمله آفرینی‌ها پیشان در مقابل مزدوران سرما به و در هنگام انجام عملیات انقلابی آنان را با خوبی در ذهنیات توده‌ها طرح کرده است. توده‌ها با احترام خاصی از انقلابیون صحبت میکنند، آنان را تحسین میکنند و در حد توان خود طرق و شیوه‌های مختلفی را در جهت ابراز حمایت و پشتیبانی از آنان بر می‌گزینند. البته با بدگفت - اساد این شکل از برخورد در شهرهای مختلف کاملاً متفاوت است و در "شکلا" در تبریز نسبت به تهران اعتراضات سیاسی کمتری شکل می‌گیرد اما در شهرهای شمالی روحیه اعتراضی بالاتری را شاهدیم که این مسئله به عوامل متعددی از جمله حضور و شدت پیشرو، سابقه مبارزاتی، روشهای رژیم در رابطه و بزه‌های آن محیط و شربندی توده‌های مناطق مختلف بستگی دارد. در پشت یکی از دهات شمال وقتی

# ارزیابی ذهنیات

بنیاد از صفحه ۹  
سخنران مجلسی به یکی از مجاهدین محلی که اعدام شده بود توهین کرد مردم مجلس را ترک کردند و در بسیاری موارد مردم نیروهای انقلابی را کشتند و تعقیب یا سداران بوده اند پس تمام داده اند. دختر جوانی که در بیمارستان کار می کند با احترامی عمیق میگفت "هرگز مجاهدین اینطوری اعتراف نمی کنند همه اش دورغ محض است اینها همه حزب الهی هستند" وقتی در خیابان مصدق راه می پیمایند مجاهدین به تیرگیری منجر میشوند تا کسی پیر مرد مرغی را میگوید "نمی دانم تیراندازی مجاهدین است یا با سداران و راننده" تا کسی با عصیانیت میگوید "معلوماست که کارها سداران است" مجاهدین به طرف مردم تیراندازی نمی کنند" چنانی یکی از مجاهدین را که کتک خورده پرتاب کرده بود با قسم خوردن دروغ از دست با سداران نجات داده است. در یک محله بعد از اعدام یکی از رفقا مردم محصل سیاه پوشیدند، غاصب در صحبت با یک رفیق وقتی می فهمد هوادار زمان است آدرس منزلش را به او میدهد و قول میگیرد که هر وقت کمک لازم داشتند به او مراجعه کنند. در مواردی در تیرگیری های مسلحانه غیبی با نی یا حمله به خانه های انقلابیون مردم با اجتماع و شلوغ کردن عدهای را قرار داده اند و موارد بسیاری نیز از با زدید مردم از خانواده شهیدان تیراندازی سیاسی گزارش شده است. با سداران - میگفت "مردم جنوب شهر خیلی نفهمند ما در شمال شهروندان حتی وارد خانه ها نمی شویم ولی خدا نکند در جنوب شهر بخوابیم خانه های را بگردیم. مردم نظری ندارند. برای همین مجبوریم همیشه نیمه شب به جنوب شهر برویم"

در این میان همانگونه که در کار شماره ۱۳۱ بر آن تاکید کردیم خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی نیروی بال فعلی هستند که به ویژه در شرایط کنونی با بد توان بسیاری را جهت سازماندهی آنان و شرکت در حرکات اعتراضی شان بکار گرفت. در غالب برخوردها حضور این خانواده های قهرمان در یک محیط بعزت روحیه اعتراضی شدیدا با آنها دجسو سیاسی منجر شده است و خشم و نفرت مردم را بشدت برافروزم برانگیخته اند. در چندین مورد از مراسم تشییع هزار دو هزار و سه هزار نفری شهدای بخون خفته خلق گزارش داشته ایم در گزارشی از قبرستان لاهیجان آمده است "کمیته چها با وجود حضور در قبرستان و شنیدن فحش به خمینی و رژیم آژرس هفتصد یا هشتصد نفر مردم عصبانی و خشمگین که برای تجلیل از شهیدی آمده بودند جرات - دخالت نداشتند" در موارد متعدد در این شرایط با کمیت اختناق سیاسی از جمله خانواده های زندانیان سیاسی و شهدا و حرکات اعتراضی شان شعار مرگ بر خمینی و مرگ بر پارتی سدار داده شده است. مادر - داغ دیده ای خطاب به عده ای دیگر میگفت "ما پدر ما درهای زندانیان سیاسی باید قرآن را بدست بگیریم و بگردیم زندان برویم و خود ستار آزادی بچه ها منون بشویم همه ما را که نمی کشند تا زه کشتند چه شکالی دارد" در توبیخ کنده، تخریب ما در یکی از شهدای صدامی بلند و در حالی که اشک میریخت میگفت "چوننا رومی کشند که یک مشت بیروپا تا لذتگی کنند آخه پیر میخونه ملکند تا ازی کنه، چرا می کشید همیشه بودند که انقلاب کردند تورو -

تیا وردند که بلای جون شون بشی "همین ما در در حین پیاده شدن از توبیخ با اشاره به زندان اوین خطاب به مسافران با حالتی شدیداً ناراحت کینه کینه گفتند "مردم بلند شویدا اینها جوانهای مردمند که دارن رندگشته میشوند تورا بخدا بلند شویدا اینها را تنها نگذارید"

جوانانهای اعتراضات سیاسی که از اعتراضات اقتصادی فرار و پیده است، اینک برای بار دیگر کاملاً مشهود است و از این رو بردوش پیشرو است که با تمرکز بخش مهمی از فعالیتهای تبلیغی خود بر محور اعتراضات سیاسی، ناراضی های موجود را از شکل فردی و پراکنده در جهت حرکات جمعی و سازمان یافته گانالیزه کند در این رابطه با پدید آفرین نیروی توده ها در حرکات آنها رشیستی و با انحرافی و کور جلویی نمود. در این مورد با پدید آمدن توجه کافیه - توده ها در برخوردهای خود بطور غالب به اعدا مها و کشتارهای رژیم معترضه و آنچه دشمنان را بر می انگیزد و آنان را به تقابل با رژیم میکشاند همین کشتار بی امان است حال آنکه نسبت به دستگیریهایی بی رویه و وجود تعدا دبیشما زندانیان سیاسی کمتر اعتراض علنی میکنند و برخوردهایشان در این مورد نسبت به موارد اول ضعیف و محدود است. ۲- یکی از با فعل ترین نیروهای موجود در شرایط فعلی خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی اند که گامهای عملی متعددی در مبارزه بر علیه رژیم برداشته اند. در رابطه با این دو مسئله در سازماندهی مبارزات توده ها با پدید آنگه بر خشم و کین آنها نسبت به کشتارگری رژیم آنان را بیش از پیش به مسئله زندانیان سیاسی جلب نمود. در این رابطه با پدید آمدن توده ها گفت زندانی سیاسی کیست، آرمانش چیست، برای چه زندان است؟ با پدید آمدن توده ها تجارب گذشته شان را با آذآوری کرد و قدرت لایزالشان را به آنان نشان داد. با پدید ارتباط تنگاتنگ آزادی زندانیان سیاسی و لزوم سقوط رژیم را به توده ها نشان داد. با پدید آمدن توده ها راه حمایت وسیع از خانواده های زندانیان سیاسی - برانگیخت. در عین حال در ارتباط با خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی با پدید آمدن را وسیعاً سازمان داد. با پدید ارتباطی منظم و قوی در میان خانواده شهدا و خانواده زندانیان سیاسی برقرار نمود. با پدید آمدن خانواده ها را بیش از پیش به مجامع عمومی کشانید. با پدید آمدن توده ها، توبیخ ها و سایر محلهای توده ای به افشگری رژیم و جلب حمایت مردم فرا خواند. با پدید ملاقات های دسته جمعی با زندانیان قهرمان در بستن انجام داد با پدید مراسم تشییع جنازه شهدا و ختم وحتی مجالس آنرا وسیعاً شکل داد و آنرا به نطفه ای جهت پرورزا اعتراضات توده ها بدل ساخت. با پدید آمدن راه شرکت در اعتراضات خانواده های زندانیان سیاسی در مقابل دادگاهها، دادگستری، کانون وکلان و زندانها فرا خواند. با دیکوچترین اعتراض را سازمان داد و در جهت ارتقای آن کوشید حتی با پدیدشکان، پرستان و خدمه بیمارستان را بر علیه حرکات سرکوبگرانه و فاشیستی مزدوران در بیمارستانها و بر علیه دستگیریهماکاز نشان به حرکت درآورد. با پدید آنرا جهت حمایت از انقلابیون زخمی بسیج نمود. به پدید آمدن به پدید آمدن

را حول شعار زندانیان سیاسی آزاد با پدید کرد، گرد آورد. در عین بکار رگیزی تمامی این روشها با پدید آمدن موجود پر سر راه ایجاد چنین تجمع ها نی با گوشمالی دادن حزب - الهی ها تا حدود زیادی بر طرف گردد. با پدید آمدن سر منفور و سرکوبگر، عنا مشر شناخته شده ای که همواره به جمع خانواده ها حمله میکنند، با سدارانی که خانواده ها را مغرور میکنند... با قهر انقلابی پیشرو از میان برداشته شوند. بعنوان مثال در تجمع خانواده شهدا در گورستان محدوده غاوران که مورد هجوم وحشیانه حزب الهی - ها قرار گرفت رفقا و هواداران که از این اجتماع از پیش مطلع بودند - میتوانستند با آماجگی قبلی خوبوسی حزب الهی ها را گوشمالی دهند و در این رابطه توده ها را بیش از پیش بسیج کرده به حرکت وادارند. شاگردان نشده، مینوی بوسی که از جلوی این گورستان رد میشد میگفت "اگر این وحشی ها دوبار کتک بخورند دیگر از این غلط ها نمی کنند" مجازات انقلابی جا سوسی که فرزندانش انقلابی خانواده زحمتکشی را لوداده است با برای خانواده فقیری مزاحمت ایجاد میکنند، اگر با پخش اعلامیه توضیحی در منطقه همراه با شانه تفریبست مبارزاتی توده ها را با لامب بردن بلکه زمینه مسا عد برای پذیرش رهنمودها و ایده های پیشرو را نیز فراهم میسازد. بهر رو با پدید آمدن توان خویش را بکار رگیزی تا شعار "آزادی زندانیان سیاسی" را به خواست مشترک و همگامی و وسیعترین توده های خلق بدل سازیم و خشم و کین و نفرتشان نسبت به اعدا مها و کشتارهای رژیم را به سبلی بنیان کین تبدیل کنیم.

## ادبیات

شمری از یک رفیق کارگر  
زندانیان  
باشما ایم! از جا برخاستان  
و آنانکه از جا برخاستند  
ما زندانی هستیم  
با زندانیانانی بی رحم  
زندانیانانی که همچون زنجیر  
بر دست و پای ما پیچیده اند  
زندانیان ما کیست؟ چیست؟  
زندانیان ما، گرسنگی و فقرمان است  
زندانیان ما سفره های خالیمان است  
زندانیان ما چشمان منتظر است که شب  
بدستمان آورده دوخته میشود  
زندانیان ما دستمزدمان است  
و استثماریار  
بس بها خیزید رفقا!  
بسها خیزید آنانکه همراهیم  
و آنانکه بسها خواهد خاست  
بسها خیزید که از بسها خاستمان  
تنها زنجیرهای خود را  
از دست خواهیم داد.  
اما، دنیایی بدست خواهیم آورد.  
دنیایی غاری از فقر  
غاری از گرسنگی  
غاری از حسرت  
دنیایی که زنجیرها در آن  
مخلو زنان باشد  
مخلو از آزادی باشد و کسار  
بسها خیزید همراهمان  
و بسها خیزید آنانکه بسها خواهد خاست.  
پیروزی از آن ماست  
و اینرا بیگمان  
طلوع خورشید قدردا  
فردایی نه چندان دور  
به ما خواهد گشت

# قلیدی ناشیانه از شکردهای ساوال (قسمت سوم)

## آیا ما امپریالیسم همسوهستیم؟

اینک که (در شماره قبل) به بررسی علل تصادفا امپریالیسم با رژیم جمهوری اسلامی و روش کنونی اش در رابطه با حل این تصادف پرداختیم میتوان سئوال فوق را مطرح کرد. برای پاسخگویی دقیق به این سئوال ابتدا باید مطالب دیگری را روشن کرد.

۱- مقاصد و اهداف نیروهای انقلابی (و در این رابطه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) از مبارزه با جمهوری اسلامی چیست؟

هر چند در پاسخ به این سئوال میتوان حداقل یک کتاب قطور نوشت اما در اینجا مختصراً به این پاسخ میپردازیم. رژیم جمهوری اسلامی در شرایط کنونی عمده ترین سده در مقابل رشد و پیشرفت انقلاب است. رژیم با بدست گیری تمامی امراض قدرت، با بسیج تمامی نیروهای سرکوبگر در مقابل انقلاب ایستاده است و منافع سرمایه داران و زمینداران را پاس میدارد. رژیم جمهوری اسلامی اصلی ترین عامل تداوم استعمار و وحشیانه کارگران در کارخانه ها است. رژیم جمهوری اسلامی عامل ورشکستگی اقتصادی مملکت، تداوم غارت منابع اولیه و تداوم چپاول خلقهای ایران از سوی امپریالیسم است. رژیم جمهوری اسلامی مهمترین سده در مقابل انجام اصلاحات ارضی دمکراتیک و نابودی کامل فئودالها و زمینداران بزرگ است. رژیم با پیشبرد سیاستهای ضد خلقی خود عامل اصلی فقر و روزافزون توده ها، گرانی کمر شکن و فلاکت حاکم بر زندگی اقشار زحمتکش مینماید. رژیم جمهوری اسلامی عامل ایجاد و تداوم جنگ ارتجاعی با عراق و کشته شدن دهها هزار جوان در جبهه ها و آوارگی بیش از ۲ میلیون هموطن ما است. رژیم عامل اصلی تخریب و نابودی عمده ترین صنایع و کارخانجات و ویرانی قسمت عظیمی از ایران است. رژیم جمهوری اسلامی عامل تداوم و تشدید احتکارات و گزانی است و سیاستهای خود باعث ثروتمندتر شدن روز افزون سرمایه داران و تجار بازرگانه است. رژیم جمهوری اسلامی رژیم است که سرمایه داری وابسته را دژهای مذهب پاس میدارد.

رژیم جمهوری اسلامی اینک عمده ترین سرکوبگر انقلاب است. رژیم عامل اعدام، ترور و کشته شدن بیش از ۱۵۰۰۰ انقلابی است. رژیم عامل سرکوب و کشتار وحشیانه خلق کرد در مدت بیش از ۲/۵ سال، عامل بختن کشیدن خلق ترکمن و نابودی شورا های انقلابی آنها و عامل کشتار وحشیانه خلق عرب است. رژیم جمهوری اسلامی سرکوبگر مبارزات توده ها، عامل کشتار کارگران و سرکوب کننده مبارزات آنان است. رژیم جمهوری اسلامی عامل برقراری دیکتاتورسی سرمایه و اغتنام بر مینماید. رژیم جمهوری اسلامی هرگونه مبارزه و هرگونه اعتراضی توده ها را با کشتار و اعدام و گلوله پاسخ میدهد.

رژیم جمهوری اسلامی پیشبرنده سیاستهای مبنی بر سیاهترین گرایشات ارتجاعی است. رژیم عامل با پیمان تمامی حقوق زنان، معلمان، روشنفکران، استادان دانش آموزان، کارمندان، وکلاد و دیگر اقشار اجتماعی است. رژیم جمهوری اسلامی عامل گسترش و رشد اعتیاد، بیکاری، فحشا و رشد و تداوم فرهنگ منحط سرمایه داری.

وابسته است. رژیم برقرار کننده لایحه قصابی به پیش برنده ارتجاعی ترین سیاستهای قرون وسطائی در مورد زنان، حامی تمسددزوجات، نابودکننده هرگونه هنر متفرقی و بلند و سدره فرهنگ انقلابی توده ها است.

رژیم جمهوری اسلامی اینک آن نیروی است که هرگونه پیشرفت انقلاب هرگونه رشد مبارزه طبقاتی، هرگونه شکل گیری شکل و آگاهی خلقها، هرگونه بسیج کارگران و مبارزه با امپریالیسم در وجه عمده از گمانال مبارزه و مقابله با آن - میگذرد. رژیم اینک آن نیروی است که مسیر رشد انقلاب از سرنگونی و نابودی آن عبور میکند.

پس هدف ما از مبارزه در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی روشن است و میتوان آنرا در چند جمله خلاصه کرد. پیروزی انقلاب اجتماعی (که تنها به رهبری طبقه کارگر میسر است) نابودی سیستم سرمایه داری وابسته، برقراری جمهوری دمکراتیک خلق که در آن قدرت در دست طبقه کارگر انقلابی که خلق را به زبرداری خود متعهد کرده است قرار دارد و از این طریق هموار کردن مسیر اختمان سوسیالیسم. اهداف عاجل ما را به شکل خلاصه میتوان بدینگونه بیان کرد، تا مین و تضمین آزادیهای سیاسی و حقوقی دمکراتیک توده ها، - برقراری شوراها یا کارگران، دهقانان، زحمتکشان، و پرسنل ارتش و تشکلهای توده ای در شوراها، تسلیح شوراها، خلق و بدست گیری قدرت توسط آنان، حق تعیین سرنوشت برای تمامی خلقها، - مبارزه عاجل با گرانی، بیکاری، ایجاد مسکن، تا مین بهداشت آموزش رایگان، - اصلاحات ارضی دمکراتیک، معادله - سرمایه های بزرگ و اعمال کنترل کارگری در تمامی واحدهای تولیدی و ...

۲- مقاصد و اهداف امپریالیسم در مقابل با جمهوری اسلامی چیست؟

امپریالیسم نیز مانند رژیم مقتدر در سرکوب توده ها است، امپریالیسم نیز مانند رژیم است که نمیتواند بر بحرآن فائق آید و چرخهای سرمایه داری وابسته را بگردش در آورد، امپریالیسم نیز مانند رژیم است که نه تنها در کشور بلکه در منطقه بتواند نقش زاندار می سرکوبگر را ایفا کند و هرگز پیش توده ای را به رکود نکشد. امپریالیسم نیز مانند با زارهای امن و گسترده است که از گزند مبارزات کارگران، دهقانان و کلیه خلقهای تحت ستم در امان باشد و رژیم که از این گورستان حفاظت کند. و گفتیم که رژیم جمهوری اسلامی قادر به پاسخگویی به این نیازهای امپریالیسم نیست (هر چند آخرین تلاشهای خود را بکار میبرد) از اینرو امپریالیسم در مقابل با رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیرد.

۳- سیاست نیروهای انقلابی (و در این رابطه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران) در جهت پیشبرد اهداف انقلابی ما در راه تحقق اهداف طبقه کارگر تنها به توده های خلق و در راس آنان به طبقه کارگر است. ما داریم سیاست مبارزات آگاهی سوسیالیستی به میان طبقه کارگر، بسیج و تشکل کارگران، رشد آگاهی اقشار و طبقات مختلف خلق و تشکل آنان اعمال رهبری طبقه کارگر و گردآوری - توده ها در زیر پرچم آن است. تا مانی

تا کتیکهای ما در خدمت بسیج و تشکل توده ای و ارتقاء آگاهی و رشد مبارزات آنان است. ما در راه رسیدن به اهدافمان بر شوراها یا کارگران، دهقانان، پرسنل ارتش، بر شوراها یا محلی و کلا شوراها توده ها متکی هستیم، ما در راه رسیدن به اهدافمان به تسلیح توده ها، ایجاد شورا - ها و کمیته های مسلح خلق و آموزش نظامی آنان، ایجاد ارتش خلق است. ما داریم، ما به نیروی لایزال طبقه کارگر و غرض پروتوان توده ها است. ما به خلق مسلح، آگاه و متشکل در زیر پرچم پرولتاریا تکیه داریم.

اهداف و مقاصد ما در تک تکیه ها اعمال و تا کتیکها پیمان انعکاس دارد. هرگاه ما گامی است در افشای چهره کربه امپریالیسم و سرمایه داری و رژیمها می آن، هر عمل ما عملی است در جهت ارتقاء آگاهی توده ها، هر تا کتیک ما تا کتیک است که توده ها را حول خود متشکل گرداند و هر حرکت ما حرکتی است که نیروی انزونی از توده ها را به میدان کشاند و از اینرو است که هر گام ما زهری است کشنده در کام امپریالیسم.

۴- سیاست امپریالیسم در رابطه با پیشبرد اهداف مذکور چیست؟

امپریالیسم در جهت پیشبرد اهداف و مقاصد خود به نیروی ضد خلق، سرمایه داران و زمینداران و به نیروهای سرکوبگر توده ها متکی است. امپریالیسم برای پیشبرد مقاصد خود در بسیاری موارد تمامی رژیم را بخدمت گرفته و میگذرد (از جمله در فریب زدن به نیروهای انقلابی و کشتار انقلابیون، در پاره اندازی سرمایه داری وابسته و کارخانجاتی چون ایران ناسیونال، در فروش روز افزون تسلیحات امپریالیستی، در حفظ و بازسازی سریع ارتش با ساخت ضد خلقی و ...). و در موارد دیگر اتکای خود را بر نیروهای ضد خلقی دیگر مینهد. از جمله در مقطعی امپریالیسم به لیبیرالها و قدرتشان در حکومت استکبار داشت (به این علت که لیبیرالها بشکلی عقلایی در جهت باز سازی رژیم میگویند و ...). در عین حال امپریالیسم اتکای خود را بر نیروهای ضد خلقی چون بختیار و ویسی و دیگر نمایندگان بورژوازی بزرگ قرار داده و بازرکب قدرت او در این راه تسلیح فئودالها و زمینداران، ایجاد شبکه های جهنمی سرمایه داران، و بیگاری ارتش (توسط فرماندهان مزدور و استفاده از ساخت ضد خلقی آن) و دیگر نیروها است.

از اینرو امپریالیسم خواهان انفعال توده ها است، امپریالیسم توده ها را در بیرون از صحنه مبارزه میخواهد، امپریالیسم خواهان توده های بی شکل، نا آگاه و نا آشنا به منافع طبقاتی آنان است. و تنها در صورت حاکمیت چنین جوی است که قادر است سیاستهای خود را به پیش برد.

اینک میتوان به سئوال آیا ما امپریالیسم همسوهستیم پاسخ گفت. با بدگفت هر چند هنوز امپریالیسم در این مرحله سیاست اساسی خود را اختیار نکرده و بیشتر در حالت صبر و انتظار بر سر میبرد، اما در رابطه با مقابله و خواست سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی ما با امپریالیسم همسوهستیم. با بدگفت در مقاطع تاریخی بسیاری کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی با نیروهای مترجم همسو و هم آواز شده اند (و خواهند شد) در این موردهیستوان مثالهای بسیاری را ذکر کرد.

در انتهای سلطنت تزاریم بر روسیه در ۱۲ صفحه

تقلیدی ناشیانه از شکردهای...

بقیه از صفحه ۱۱

از سوی کارگران و دهقانان تحت رهبری بلشویکها جهت سرنگونی تزار مبارزه میکردند تا حکومت انقلابی کارگران و دهقانان را برقرار سازند و از سوی دیگر امپریالیستهای انگلیس و فرانسه با ترغیب میلیوکف و گوچکف و شرکا ایشان به تسخیر قدرت سیاسی هدایت نمودند و جنگ امپریالیستی را دنبال میکردند در این مقطع بلشویکها با این سیاست "هم آواز" همسوس شده بودند. در این رابطه نقل قولی هر چند طولانی را از لنین مینویسیم. لنین در نامه اول از مجموعه نامه های آذرودرتقا بل کسانیکس فوهای برده پوشی توطئه های امپریالیست های انگلیس و فرانسه با گوچکف و میلیوکف ها با هدف خلع سلاح نیکولای رومانوف بودند میگوید "گرانقلاب با این سرعت و از لحاظ ظاهر در نخستین نظر سطحی - با این طرز ادیکال پیروز گردید غلظت فقط این بود که به حکم موقعیت تاریخی فوق العاده خود ویژه ای جریانهای بکلی گوناگون منافع طبقاتی به کلی ناممکن و تملیات سیاسی واجتماعی کاملاً متنقضی با هم درآمیختند و به طریقی دیگر با یکدیگر "هم آواز" شدند. بدین معنی که از یک طرف امپریالیستهای انگلیس و فرانسه با توطئه جیتی خود میلیوکف و گوچکف و شرکا را به منظور آدامه جنگ امپریالیستی با سرخستی و غنا بی بیش از پیش و به منظور کشتار میلیونها کارگر و دهقان دیگر در روسیه به تصرف حکومت ترغیب مینمودند. ....

از طرف دیگر جنبش انقلابی عمیق پرولتاریایی و توده های مردم (شامل تمام اهالی تهیدست شهر و ده) وجود داشت که هدفشان تامل و صلح و آزادی واقعی بود. سفاقت صرف بود اگر کسی درباره "پشتیبانی پرولتاریای انقلابی روسیه از امپریالیسم کادتها و اکتبریزمها - امپریالیسمی که با پول انگلیسها سرهم بندی شده و از لحاظ پلیدی از امپریالیسم تزاری دست کمی ندارد - سخنی به میان آورد. کارگران انقلابی برای انهدام سلطنت پلید تزاری کوشیده و به میزان قابل ملاحظه ای آنرا منهدم نموده و تاسا آخرین خشت منهدم خواهند کرد بدون آنکه شمع با شرمی به آنان دست دهد که از لحاظ تاریخی معین کوتاهی که از لحاظ اوضاع و احوال خود جنبه استثنائی دارد کسانیکس نظیر بیوکسن، گوچکف، میلیوکف و شرکا با مبارزه خود در راه تعویض سلطنتی با سلطان دیگر (که ترجیح میدهند از همان رمانف ها باشد) - به کمک آنها می آیند!

پس از انقلاب فوریه ۱۹۱۷ ورق برگشت در اینجا ارتجاع تزاری در جهت سرنگونی رژیم حاکم میکوشید و بلشویکها نیز در جهت بدست گیری قدرت و برقراری حاکمیت سوسیالیستی گام بر میداشتند و از اینرو با ارتجاع تزاری همسوگشتند. در اینجا لنین به خاطر آنکه که به آنها مقابلت با ارتجاع تزاری پشتیبانی از دولت ضد انقلابی حاکم را توصیه میکردند میگوید "هر کسی بگوید کارگران به منظور مبارزه با ارتجاع تزاری رسم با بداند دولت جدید پشتیبانی کند. .... آن کسی که کارگران را راه پرولتاریا و ازاد و صلح و آزادی خلیت ورزیده است. زیرا همین دولت جدید است که عملاً هم اکنون دست و پايش به سر ما به

امپریالیستی و سیاست جنگی و غارتگرانه امپریالیستی بسته است و هم اکنون (بدون کسب تکلیف از مردم) شروع به بندوبست با خاندان سلطنت کرده است. ... پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی اکتبر امپریالیستهای جهان بخوار و به حکومت نوپای شوروی یورش بردند و کمتر به نایبودی آن بستند در این رابطه بار دیگر بلشویکها با بخشی از امپریالیستها همسو "هم آواز" شدند. لنین در این مورد در نامه ای به کارگران آمریکا مینویسد "هنگامی که در فوریه ۱۹۱۸ - لاشخوران امپریالیست آلمان نیروهای خود را به روسیه بدون ارتش و از هم پاشیده که پرولتاریا بر اساس همبستگی بین المللی، پیش ازیلوغ کامل انقلاب از آن پشتیبانی کرده بودند، یورش آورد. من با سلطنت طلبان فرانسوی ساختم و در این مورد کوچکترین تردیدی به خود راه ندادم. کاپیتان سادول افسر ارتش فرانسه که در لفظ به بلشویکها علاقه نشان میداد اما خود وفا دار امپریالیسم فرانسه بود. لوبرساک افسر بلندیایه فرانسوی را پیش من آورد. لوبرساک به من گفت "من یک سلطنت طلب هستم و تنها خواسته ام شکست آلمان است". گفتم تا گفته هم جداست. اما این به هیچ وجه سبب نشد که این افسران کارشناس مواد منفجره در مورد خرابکاری در راه آهن به منظور سبکبری از جمله آلمان ها وارد مذاکره بشوم. این یک نمونه از "سازشها" - بی است که هر کارگر آگاهی تائیدش میکند زیرا به نفع سوسیالیسم می باشد. .... در این برهه منافع ما همسوس شده بود. ....

جنگ جهانی دوم وجهه واحد متشکل از شوروی انقلابی با امپریالیستهای فرانسه و انگلیس و ... بر ضد فاشیسم هیتلری، همسوئی جنبش چپ انقلابی شیلی در مقطع حکومت آندره با امپریالیسم آمریکا و ... نمونه های دیگری از این مسئله اند.

رژیم مزدورانش یعنی رولیزونیستهای اکثریتی راست و توده های میکوشند با جعل حقایق و با فریب و تیرنگ این همسوئی را بصورت وحدت منافع و حتی وابستگی و اتحاد بین نیروهای انقلابی و امپریالیسم جلوه دهند و از اینروست که با ید در این رابطه وسیعاً به تبلیغ پرداخت و از اجیف زهر آگین آنان را آفتاب نمود.

چه کسانی در خدمت امپریالیسمند؟ در انتها نیز با ید به این سوال پاسخ داد که علیرغم همسوئی مقطعی شما با امپریالیسم چه کسانی در حقیقت در خدمت امپریالیسم قرار دارند؟ آیا نیروهای انقلابی که در جهت آگاه کردن توده ها، افشای هرگونه سازش با امپریالیسم و مقابلت با هر حرکتی که در جهت تحکیم وابستگی صورت میگردد گام بر میدارند آیا نیروهای انقلابی که در جهت تشکیل توده ها در شوراهای مسلح انقلابی میکوشند آیا نیروهای انقلابی که سالیان دراز در خون و آتش و گلوله در مقابل سرکوبگران خلق رزمیده اند در خدمت امپریالیسمند، یا رژیستی که با برقراری سانسور و اختناق جلوی هرگونه آگاهی توده ها را سد نموده و به ترویج فرهنگی ارتجاعی و خرافاتی مشغول است، یا رژیستی که گام بگام پیوندهای امپریالیستی را تحکیم بخشیده و خریدتسلیمات امپریالیستی را سازمان داده، قراردادهای اسارت با رملیارد دلاری متعقد میسازد، یا رژیستی که هرگونه شکل توده ها را با گلوله درهم میکوبد و

هرگونه شرکت خلقی در جهت خویشتن را با اعدامها باخ میزند. با رژیستی که ساواکها و فرماندهان مزدور ارتش و یگوشه خزیدگان دوران شاه را بخدمت گرفته است. چه کسی به امپریالیسم خدمت میکند، رژیستی که هزاران جوان انقلابی را به جوخه های اعدام میسپارد یا رژیستی که در انقلابی که به مقابلت با سرکوبگران توده ها برخاسته اند، مسلح کردن ملاحضیها با رزانی ها و دهها فتوای و زمیندار دیگر در اقصی نقاط ایران در خدمت امپریالیسم است یا مسلح کردن شوراهای خلق ترکمن، بازسازی سریع ارتش - آریا مهری در خدمت امپریالیسم است یا مسلح بودن و مبارزه کردن خلق کرد در جهت حق تعیین سرنوشت، تبلیغ تسلیم توده ها و گام برداشتن در این جهت در خدمت امپریالیسم است یا سازماندهی سپاه پاسداران، خلع سلاح، سرکوب و کشتار خلقها، در این مورد میتوان مدها مثال آورد اما ما کاملاً روشن است که چه کسانی در خدمت امپریالیسم قرار دارند.

بله رژیم جمهوری اسلامی و تمام می مزدورانش و از جمله اکثریتی های راست و توده ایهای خائن علیرغم تمام فریادهایشان بر ضد آمریکا، علیرغم تمام می ژست های ضد امپریالیستی ایشان بدرستی در خدمت امپریالیسم قرار دارند و در جهت منافع آن گام میزنند.

چهره واقعی و جنایتکارانه رژیم  
عرویانتر می شود!

فرمان ۱۳۶۰ شماره ۱۰۰۰۰۰  
چهره واقعی رژیم را در این بیانیه افشای می کنیم. این بیانیه را در تمام نقاط ایران توزیع کنید. این بیانیه را در تمام نقاط ایران توزیع کنید. این بیانیه را در تمام نقاط ایران توزیع کنید.

عاجیه جناباتی بی شمار رژیم خونخوار  
جمهوری اسلامی

عاجیه جناباتی بی شمار رژیم خونخوار  
جمهوری اسلامی

در تکثیر و توزیع  
آثار سازمان  
بکوشید

# ارگان سازمانی نقش ووظایف آن (تست) مبارزات خود را حول ارگان سازمان - نشریه کلو - سازمان دهیم

**گزارش دهی :**  
برقراری یک سیستم گزارشی منظم یکی از عمده ترین وظایف یک تشکیلات کمونیستی است. بصورتیکه لتین در نقدی که بر طرح "سازمان حزب انقلابی - سنست پترزبورگ" مینویسد پس از بررسی کامل آن این نامه را شده جهت یک سازمان - محلی مینویسد "من با تجزیه و تحلیل طرح آن این نامه شروع کردم تا هدف از پیشنهادها - های خود را واضح تر نشان دهم و امیدوارم - اکنون برای خواننده روشن شده باشد که در اصل یادداشت آن نامه نیز میتوان سرگرد چنانچه گزارش منظم در باره هر حوزه و در باره هر جنبه از کار را انجام ندهیم آن سازمان (نامه به یک رفیق - لتین) لتین بدین - طریق نقش پر اهمیت گزارشی دهی در دوزن یک تشکیلات را بخوبی روشن میسازد.

**گزارش دهی در شکل کلی خود در دریا بطن صورت میگیرد.** گزارشی دهی در رابطه با تشکیلات و گزارشی دهی در رابطه با توده ها. گزارشی دهی در رابطه با تشکیلات وسیله ای است برای انتقال تمامی مسائل، اتفاقات و اخباری که در رابطه با عملکرد تشکیلات به وقوع می پیوندد. در این مورد میتوان از گزارشی جلسات، گزارشات انفرادی و نقاد از خود، گزارشی موبایات مرکزیت به تشکیلات و... نام برد. لتین سازمان انقلابی را به ارگتری بزرگ تشبیه میکند و میگوید "برای آنکه رهبری (آنطور که تاکنون بوده) فقط به شورت کردن، قانع کردن و بحث کردن نپردازد بلکه واقعا "بتواند ارگتر را رهبری نماید دانستن این نکته که چه کسی و در کجا چه سازی را مینوازد، نواختن کدام آلت موسیقی را کجا و چگونه یا دگر گرفته است یا دارد یا میگیرد. چه کسی، کجا و چرا خا رچا زنت مینوازد (آنگاه که موسیقی میدانی گوشخراش دارد) و برای از بین بردن این صدای ناخوشایند چه کسی را باید یا چه جا کرد، چگونه و به کجا و غیره، - ضرورتی بسیار دارد" (هما نجا) تصور میروند در این مورد ضرورت گزارشی دهی سیستم تیک و مرتب نیازی به توضیح نداشته باشد. این عمل تنها ویا یکی از عمده ترین کارهای انتقال تمامی مسائل تشکیلات به مرکزیت و انتقال نظرات سیاسی و تئوریک و تشکیلاتی رفقا به بالا انتقال نظرات، موبایات، گزارشیات و دستورات مرکزیت به توده های تشکیلاتی است. کمیتترین در این مورد می نویسد "یکی دیگر از وظایف موجود در - فعالیت کمونیستی ارسال گزارش است. این وظیفه کلیه ارگانها و سازمانها و همچنین هر یک از افراد عضو است. باید گزارشیاتی کلی که فواصل زمانی کوتاهی را شامل میشود وجود داشته باشد. کمیته های مخصوصی با پیدا رای گزارشیات مخصوص در باره کار خود یا شند (کمیتترین - اصول - تشکیلات حزب) لازم است که کار گزارشی دهی بقدری سیستماتیک باشد که بصورت یک - روش وضع شده بعنوان بهترین رسم یک جنبش کمونیستی در آید" (هما نجا)

در همین مورد با بد متذکر شد شکل گیری یک سیستم منظم و دقیق گزارشی دهی که - تمامی حرکات و انتقادات به بالاترین سطوح منتقل میگردد و تمامی حرکات "بالا تینها" نیز تحت کنترل دقیق و کامل تشکیلات قرار میگیرد. هر چند این اصل در شرایط متفاوت - اشکال مختلف بخود میگیرد، مثلاً در شرایط دموکراتیک گزارشیات در با بعد دو سیمتری - تهیه میشود و گزارشی به پایتین میتوان شد شکل جلسات وسیع بخود گیرد و... اما بهیچ رویتنا بر هیچ استدلالی نمیتوان و نباید به بهانه دیکتاتوری آنرا حذف و یا انگلیف نمود.

در دیگر سو گزارشی دهی از جامعه، از زیر خورد با توده ها و ذهنیات آنان بعنوان - سیستم عصبی تشکیلات و انتقال دهنده - ادراکات شاخکهای حسی سازمان به تمامی سطوح آنست. از این زمره گزارشیات، می توان گزارشی توده ای، گزارشی پخش، گزارشی از نظرات... را نام برد. برای بررسی این مبحث ابتدا نامه ای را که "دبیرخانه تبلیغات سازمان در مرداد ماه به تمامی رفقای تشکیلات نوشته است بعلمت تاکید بر این مسئله در اینجا منعکس میکنم. سپس در مورد تهیه گزارشی رهنمودهای لازم را می آوریم. ابتدا نامه "دبیرخانه تبلیغات" - سازمان به تمامی رفقای تشکیلات :

گزارشی نویسی را بعنوان یک سنت انقلابی و یک ضرورت مبرم سازمان دهیم رفقا! تصور میکنیم لازم باشد با ردیگر بر اهمیت گزارشی نویسی بعنوان یک وظیفه و سنت انقلابی در هر تشکیلات کمونیستی - تاکید کنیم. بر تمامی رفقا روشن است که یکی از مهمترین و اصلی ترین شیوه های ارتباط سازمان با جامعه، یکی از عمده ترین کارهای تنفسی تشکیلات، وسیع ترین و عمیقترین روزنه ای که سازمان از آن طریق با بیشترین افشار و طبقات خلق در تماسی است، از آنان فرا میگیرد، - سخنانشان را میشوند و با ذهنیات و - تفکراتشان آشنا میشود. گزارشی نویسی است. از طریق گزارشی دهی است که بعضی اجتماع دردست سازمان قرار میگیرد و بطور خلاصه میتوان گفت عمده ترین رکن - سیستم عصبی سازمان که احساسات، ملموسات و ادراکات شاخکهای حسی را به مغز منتقل میکند گزارشی دهی است.

اگر اینک با ردیگر - و این برای - چندمین بار است - برگزاری نویسی تاکید میکنیم یکی از غلظت آن شرایط ویژه ای - است که در آن قرار گرفته ایم. شرایط - متحولی که باعث میگردد ذهنیات توده ها - هر روز به اندازه چند ماه تغییر نماید. هر واقعه، هر عمل انقلابی، هر حرکت ضد انقلابی رژیم، هر کنش و کنش اجتماعی، نا تیری - شگرف مینهد و با زتابی عظیم میباید. هر روز در این دوران انقلابی به اندازه بیست سال دوران رکود است. و از اینروست که :

۱- تنها سازمان پیشرو یقیناً در است به اتخاذ سریع تاکتیکهای صحیح و منطبق با شرایط متحول دست باید که بخوبی بر ذهنیات حاکم بر توده ها، وقایع جامعه و نوسانات حرکات توده ای احاطه باشد.

۲- این ارتباط لاینفک که در شرایط کنونی بیش از پیش شرط ضروری تداوم حیات فعال هر سازمان است در وجه عمده با سازماندهی یک سیستم گزارشی نویسی فعال تا مینخواهد شد.

۳- سرعت انتقال گزارشیات در شرایط کنونی نقش ویژه ای میباید بصورتی که انتقال - کنند آن از کار آید. گزارشیات بشکلی وسیع -

میگردد. ۴- شکل گیری یک سیستم وسیع گزارشی نویسی و تشبیهات امر گزارشی نویسی وجوه تشکیلات بعنوان یک امر همیشگی نشان نمیدارد و - انضباط پذیری پرولتری در تک تک رفقا و ارگانهای مربوطه محسوب گشته و نفوذ ما در کوچکترین زوایای جامعه و پیوند ارتباط وسیع سازمان با توده های کارگزار و حمایتش را به بهترین وجه منتظر خواهد ساخت.

آمده در مورد گزارشی نویسی تاکنون تا شبر چندانی ننخسیده و بر خوردی غیر مسئولانه در اکثر سطوح تشکیلاتی به این مسئله وجود دارد. رفقای ما هنوز بهای لازم را به این وظیفه انقلابی نمیدهند و حرکات منظم و از روی برتا به درجهت ایجاد یک سیستم وسیع و دقیق گزارشی نویسی دیده نمیشود. رفقای مسئول حوزه ها و کمیته ها تا کید لازم را به این امر ندادند و از رفقای هسته ها خواستار گزارشی نویسی مرتب نیستند. با گزارشی نویسی نه بصورت یک وظیفه تشکیلاتی - که انجام نگرفتن آن مسلماً "باید موجب بازخواست، انتقاد و تنبیه گردد - بلکه به صورت امری اتفاقی برخورد میگردد. هنوز گزارشیات اندکی تهیه میگردد، مدهای مدید در دست مسئولین "خاک میخورد" و - سیستم انتقالی سریع و دقیق در این مورد شکل نگرفته است. و بهر رو گزارشی نویسی هنوز در تشکیلات ما جا نیفتاده است.

این امر موجب شده است تنها سیستم خبر رسانی تشکیلات بشکل یکی از ضعیف ترین حلقه های سازمان با قی بماند بلکه سطوح متفاوت تشکیلاتی از یک تجربه مهم و غنی، از آگاهی دقیق و جامع از محیط اطراف، از دردست داشتن شیخ جامعه بشکل کامل آن محروم گشته اند، که این کمبود میتواند لطفاً را در تحلیلها، ارزیابیها و اتخاذ تاکتیکهای مناسب بر جای نهد. (ومسلماً) تنها است از سوی دیگر درک غلط از مساله گزارشی دهی باعث شده است که گزارشی نویسی منظم به بخشهای خاصی چون بخش محلی محدود گردد، بخش وسیعی چون بخش دمکراتیک از نظر گزارشی دهی، حداقل از نظر انتقال گزارشیات، در حد مقرر قرار داده و بخشهای دیگر کاملاً پیش در همین محدوده سیر میکنند. بهرحال ما تا کید میکنیم - تمامی رفقا در هر کجای تشکیلات باید از محیط اجتماعی اطراف خود گزارشی تهیه کنند. تمامی اتفاقات و برخوردهای موجود در کارخانه، اداره، مدرسه، با دکان، محله، روستا، کارگاه و در سطح شهر باید گزارشی شود.

بازها اتفاق افتاده است که رفقا در جلسات، یا در دیگر برخوردها، خبرهای - متفاوتی میدهند، از زبان مردم سخنان - بسیاری نقل میکنند و از قیای متعدد - صحبت به میان می آورند اما از گزارشی خبری انبست. در اینجا است که باید به یقین ابراهیم و عدم درک اهمیت و لزوم گزارشی دهی را بعیان دید.

رفقا! خلاصه میکنیم گزارشی نویسی امری حیاتی است که در شرایط کنونی ضرورتی دوچندان یافته است. باید سیستم وسیع و منظم گزارشی دهی را سازمان داد. وسیع مورتی که، هر رفیق یک گزارشیگر باشد و تمامی وقایع اطرافش را بصورت و به سرعت و به سرعت وقت گزارشی دهد. رفقای مسئول موظفند بعنوان یک وظیفه تشکیلاتی با مرکزگزارشی دهی برخورد کنند و از تمامی رفقای تحت نفوذ خود مطلع گردند.

گزارشی نویسی در این شرایط کنونی نقش ویژه ای میباید بصورتی که انتقال - کنند آن از کار آید. گزارشیات بشکلی وسیع -

### ارگان سازمانی

بقیه از صفحه ۱۱۳  
 مسئولیتشان گزارشات منظم و دقیق را - طلب نمایند. گزارشات باید با سرعت هر چه تمامتر تهیه شود و انتقال آن نیز باید از سرعتی چشمگیر برخوردار باشد.  
 از تمام رفقای میخوایم بخواهیم بعنوان یک وظیفه این نامه را در تمام میهنها و حوزه ها، در تمام سطوح تشکیلاتی در اولین فرصت بخوانند و به بحث بگذارند (خواندن نامه در جلسات الزامی است) و علاوه بر انتقال سریع نظرات و پیشنهادات موجود وظایف ذکر شده را بدقت، با طبعیت هر چه تمامتر به پیش ببرند. ضمیمه این نامه بررسی و توضیح مختصری در مورد شیوه گزارش دهی است. دبیرخانه تبلیغات، نیمه دوم مرداد ماه ۶۰.

یک گزارش باید دارای چه خصوصیات باشد؟  
 گزارشات را بر حسب مضمون آن میتوان به دستجات مختلفی تقسیم کرد از جمله گزارش تشکیلاتی، گزارش سیاسی، گزارش بخش و... اما صرفنظر از محتوا و مضمون و اهدافی که گزارش در خود دارد باید کلیه گزارشات خصوصیات زیر را در خود داشته باشند.  
 ۱- در بالای گزارش حتما "کادر بندی زیر تنظیم گشته و در آن اطلاعات کلی مربوط به گزارش نوشته شود.

#### کدگزارشگر موضوع: تاریخ تنظیم گزارش تاریخ تحویل گزارش به مسئول:

گزارشات باید حتما "خوانا نوشته شود و حتی الامکان خط خوردگی نداشته باشد. گزارش باید در کاغذهای نازک (پوستی یا پوست - پیازی) و فقط در یک روی کاغذ نوشته شود. تاریخ را در جایی که در نوشته شده و خوانده شود. در هنگام نوشتن حتما " در کنار هفت راست کاغذ شیبهای حدود ۱۳ درجه داشته باشد. متر را کمالی بگذارد. گزارشات - خبری (اخبار) حتما " باید جداگانه تهیه گردد. در صورتیکه امکان تهیه گزارش جداگانه نیست باید درستی شود خبر در قسمت پایانی گزارشات بصورتی مجزا نوشته شود تا براهی نتوان آنرا از بقیه جدا کرد.

۲- در نوشته گزارشات باید مطالب زیر را بدقت رعایت کرد: در گزارش مطالبی که برای بیان موضوع ضروری است ذکر گردد و از بیان مطالب زائد خودداری شود. مثلا " در یک گزارش توده ها مورد نظرات در نتیجه واکنشهای توده ها موجود در تاریخ و ذکر اسباب و آثار آنها موجود در تاریخ و مطالبی مانند "بعدها ز پیاده شدن از تاکسی بسزعت به سرفرازی رفتیم یا " ما دیگر دیر شده بودیم مجبور بودیم برای پخش بروم... در انتهای گزارش زائد است. اما ذکر یا بگه طبقاتی اشخاصی که صحبت می کنند و یا محل تهیه گزارش و... کمالا - ضروری است.

۳- با بد در متن گزارش از ذکر نظرات و تفسیرهای شخصی خودداری کرد. تمام نظرات شخصی خود را باید در انتهای مطلب و تحت عنوان جمع بندی یا ریم. سخنان توده ها یا بدعینا " بدون کم و کاست یا تغییر در گزارش خود از نوشتن اخبار ذکر موشق و غیر موشق بودن آن و اینکه آنرا چه کسی و در چه تاریخی ذکر کرده است ضروریست (منظور ذکر اسم منابع خبر نیست بلکه مثلا " با بد گفت از خلبانان نیروی هوایی یا از کارمندان دارا (ش) یا از رؤسای جتها (سا) زندگی و...)

۴- علاوه بر ضعف بزرگ موجود یعنی عدم وجود سیستم منظم گزارش دهی، در اکثر گزارشات رسیده با وجود زحمات فراوانی

که رفقای برای تهیه آن متحمل میشوند یک نارسائی بزرگ وجود دارد و آن انعکاس آئینه وار مسائل است. رفقای عمده تا " آنچه را اتفاق می افتد عینا " مینویسند. این بسیار خوب است اما کافی نیست. از یکسو هر گزارشگر باید بعنوان عنصری فعال (نه منفعل) بحث ها و گفتگوها و برخورد ها را سمت و سواد دهد. مثلا " وقتی شخصی میگوید این حکومت هم پدر ما را در آورد، بریدرشون لعنت " ممکن است شاهی، بخنیا ری، بنی - صدری باشد، ممکن است ناراضی بدون خط - آبی باشد و ممکن است هوادار یکی از جریها باشد مترقی یا شد در اینجا برخورد فعال ما در دعا و میخیشیدن به بحث و سواد دادن به آنست که به گزارش ما شکل سی کامل میدهد و در است آنرا به یک انجمن صحیح از اوقیعات بدل سازد. از سوی دیگر رفقای باید در عین انتقال دقیق مسائل برداشت، تعبیر و نظر خود را نیز در مورد آن (در انتهای گزارش) منعکس نمایند. این تفسیرها را هگشی ارگانهای سازمانی در جهت آشنائی هر چه وسیعتر با نظرات و تحلیلهای شما می رفق و در نتیجه گامی است در جهت تصحیح هر چه بیشتر خط مشی و عملکردهای سازمان.

۴- تا حد امکان گزارشات خود را مقلوبه بندی کنید. مثلا " رفیق که از داخل - کارخانه گزارش مینویسد میتوان - در گزارشات خود ذهنیات کارگران و برخوردها نشان نسبت به مسائل متفاوتی از جمله حاکمیت، جنگ، گران، انتخابات و... را مقلوبه بندی نماید و به ترتیب ذکر کند. مسلما است که این عمل در جهت هر چه دقیقتر شدن گزارشات و بنیاید به حذف برخی قسمتها بیا نجامد.

۵- رفقای مسئول باید گزارشات را هر چه سریعتر و در اولین قرار انتقال دهند و در عین حال ایرادات و نقایص گزارشات رفقار را با برخوردی فعال رفع نمایند. رفقای مسئول باید بیشترین نیروی ممکن را جهت شکل دادن به یک سیستم گزارش دهی منظم بکار گیرند و با هرگونه برخورد لیبرالی در این امر بشدت برخورد نمایند.

بهرروا اینکه به شرح انواع گزارشات، گزارش توده ای و گزارش ضربتی میپردازیم در عین حال که با بد تمریح کنیم گزارشات بخش بخصوص واکنشهای توده ها در مقابل اعلامیه ها، تراکت ها و نشریات سازمان برای ما از اهمیت ویژه ای برخوردار است.  
**گزارشات توده ای:**  
 این نوع گزارشات با توجه موضوعات هر چه وسیعتری از مسائل و مشکلاتی که توده های زحمتکش با آن درگیر هستند را در برگیرد. و منعکس کننده ذهنیات آنان بوده و حتی امکان حاوی سخنان و اظهار نظرات بیشتری از توده ها باشد. منابع تهیه این نوع گزارشات دارای هیچگونه محدودیتی نبوده و هر کجا که توده ها حضور دارند همجا بهترین منبع کسب این اطلاعات است. نقل قولهای ذکر شده از توده ها در گزارشات باید دقیق و بدون دستکاری باشد. در این گزارشات نباید بدیهه کوچکترین عکس العمل های توده ها در مورد هر مسئله توجه شود و عینا " به بیان گردد. ذکر موقعیت اجتماعی محل، موقعیت اجتماعی افراد، سن و جنسیت آنان، تاریخ و زمان تهیه گزارش - ضروریست. مضمون یک گزارش توده ای - نمیتواند (و نباید) شامل مسائل زیرین باشد.  
 - توده ها در کارخانجات، ادارات، مجامع و اماکن عمومی، منازل و... در باره هر چه مسائلی عمده تا " صحبت میکنند و طریقه

بیا این مسائل چگونه است. تلاش کرد مسائل اقتصادی و سیاسی، اجتماعی از یکدیگر تفکیک گردد و با ذکر نمونه های مشخص تنظیم شوند.

- آیا نحوه اظهار نظر توده ها در مورد - مسئله مشخص در اماکن و مجامع عمومی و خصوصی با یکدیگر تفاوت دارد، آیا این تفاوت چگونه و در چه مسائلی عینی پیدا میکند؟ ذکر نمونه های مشخص ضروریست.

- کدام مسائل در مدت زمان معینی، مثلا " یک ماهه و یا یک هفته، عمده ترین مکان را در ذهنیت توده ها بخود اشتغال داده است؟ و چه تغییراتی در ذهنیت آنان بوجود آمده؟ مثلا " توده های موقلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی از یکدیگر تفکیک شوند.

- در رابطه با گران، بیکاری، کمبود ما بجات و... توده ها چگونه اظهار نظری میکنند و علل ریشه ای آنرا چگونه ارزیابی می نمایند.

- اعتراضات اقتصادی توده ها در کدام زمینه های تبلیغاتی یا بد چگونه آنرا مطرح می سازند.  
 - در رابطه با سرمایه داری و حمایت دولت از سرمایه داران چه نظراتی بین توده ها شایع است و ارتباط دولت با سرمایه داران توسط توده ها چگونه تبیین میشود.  
 ذکر نمونه های مشخص ضروریست.  
 - در رابطه با شوراها چه نظراتی بردهنیت توده ها حاکم است. ذکر نمونه های مشخص ضروریست.

- تبلیغات رژیم بردهنیت توده ها چه تا ثیری بر جای میگذارد و کدام قسمت از این تبلیغات نقش عمده ای ایفا میکند. آیا این تا ثیر پذیری سیر صعودی دارد یا نزولی؟ ذکر نمونه های مشخص.

- تبلیغات سازمانهای مترقی بردهنیت توده ها چه تا ثیری بر جای میگذارد و کدام قسمت از این تبلیغات نقش عمده را دارد. و سیر حرکتی آن چگونه است؟ ذکر نمونه های مشخص.

- چه تغییراتی در ذهنیت توده ها نسبت به سازمانهای مارکسیستی (بطور مشخص سازمان ما) و سایر نیروهای دمکرات بوجود آمده و مردم در باره این سازمانها چگونه می اندیشند؟ ذکر نمونه های مشخص.

- نظرات مردم در رابطه با فرقیستها چگونه است؟ ذکر نمونه های مشخص.  
 - توده ها نسبت به حاکمیت بطور کلی و ارگانها و بخشهای مختلف آن چگونه می اندیشند و تا چه حد نسبت با آن نزدیکی و دوری احساس می کنند. با ذکر نمونه های مشخص.

- در رابطه با تغییرات حاصله در هیئت حاکمه نظرات توده ها چگونه تبیین پیدا میکند.

- میزان محبوبیت خمینی در توده ها تا چه اندازه فروکش کرده و این تغییر بیشتر در چه طبقات و اقشاری محسوس تر است؟ سخنرانیها، فتاوی و تا چه حد بردر داشته و عمل میکند؟ ذکر نمونه.

- در باره بنی صده نظراتی بین توده ها مطرح است و حرکات وی چه تا ثیراتی در ذهنیت توده ها باقی میگذارد؟ ذکر نمونه.

- برخورد توده ها نسبت به ارگانهای سرکوب بورژوازی نظیر: سپاه، کمیته ارتش، پلیس و... چگونه است و چه تغییراتی در این ذهنیت بوجود آمده؟ ذکر نمونه.

- توده ها چگونه از حاکمیت بریده اند و بسوی کدام نیروها جلب و جذب میشوند و این گرایش چگونه عمل میکند؟ ذکر نمونه.  
 - ریشا اعتراضات توده ای نسبت به گذشته بقیه در صفحه ۲

# طرح ایران

بقیه از صفحه ۱

با اعزاز پست نخست وزیری توسط او ارتباط داشته است. و این تنها بخشی از برنامهمزمنه ساز بود. بقیه قضا با از این قرار است که پس از گذشته شدن با هنر و مخصوص در فاصله انتخاب خامنه ای به ریاست جمهوری وزمنه - کاندیدائی موسوی بعنوان نخست وزیر یک سری حرکات نمایی پرسرو صدا توسط میرحسین موسوی انجام گرفت. این حرکات عبارت بود از شرکت جناحی در کنفرانس کشورهای جبهه پایداری - زالیته بعنوان ناظر و بدون اینک کوچکترین تعهدی قبول کند (شرکت در اجلاس سازمان ملل متحد و پرا دنتق در آنجا، انجام چند نما حبه مطبوعاتی - تبلیغاتی و اعلام برسمیت شناختن جبهه دمکراتیک و جبهه فارابوند و مارتسی السالوادور (در حرفه) و بالاخره اعلام داشتن طرح مهمی برای حل مسئله افغانستان و در مورد آخری از آنجا شیکه خود جناب ایشان هم میدانست که این طرح نیکه توخالی بیش نبوده و کوچکترین نکته مثبتی برای حل مسئله ندا زد لذا عمداً هیچگونه اشاره ای به محتوای طرح نکرد و تا زمان انتخابش به نخست وزیری بطور کلی و سر بسته برای طرح مهمش تبلیغ کرد. با این ترتیب یک چهره "فعال و مبتکر" و "سیاستمدار" از او در نظر ساخته شد تا "لائق" خراز پست نخست وزیری باشد. از این جنبه قضیه که بگذریم، ببینیم محتوای طرح چیست؟

بجرت میتوان گفت که تا کنون هیچ طرحی در مورد یک مسئله بین المللی با چنین عمداً استقبال و واکنش منفی و بیرو نبوده است. این طرح آنچنان اثرخا و در عین حال غیر عملی و بی محتوا است که حتی محافل ارتجاعی نظیر پاکستان و جبهه های "مجاهدان افغانی و دیگر محافل ارتجاعی جهان کوچکترین واکنش مثبت نسبت بآن نشان ندادند. دولت شوروی اصولاً طرح را قابل بررسی ندانست و دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان ضمن اینکه طرح را "کلا" و "اساساً" رد کرد از رهبران ایران خواست که دست از تلاش برای تحمیل افکار روعفا بیدکهنه سیاسی و دینی بر مردم افغانستان بردارند

خبرگزاری تاس نوشت: "افغانستان طرح صلح پیشنهادی ایران را رد کرده و آنرا دخالت بی پرده و بی محابا در امور داخلی افغانستان خوانده است" و بالاخره کار بانجا رسیده که خود موسوی خامنه ای (طرح طرح) در نما حبه روز ۲۳ - آن بان خودصراحتاً به غیر عملی بودن آن اذعان میکند، و گفت: "طرح ایران برای حل مسئله افغانستان در درازمدت به اتقاد نیروهای مردم و مبارزه این کشور خواهد انجامید... این طرح یک گزاشی را بوجود خواهد آورد که عناصر وابسته به غرب و شرق را در میان حرکتهای مردمی افغانستان تمفیه خواهد کرد. باید از آقای موسوی پرسید که این طرح برای "حل مسئله افغانستان" در شرایط کنونی است یا رهنمودی برای "پیروزی انقلاب اسلامی در افغانستان"؟ بدیهی است که با این سخنان معلوم است که هدف "حل مسئله افغانستان" نبوده است. اما از آنجا شیکه این طرح شکست

خورده دارای آن اهمیت نیست که به شرح مفاد آن بپردازیم لذا به نکات اساسی آن اشاره ای میکنیم:

۱- این طرح بیانگر ادامه دخالت آشکار رژیم جمهوری اسلامی در امور افغانستان است. اگر رژیم ایران تمام کتون با تجهیزات مسلح کردن نیروهای ارتجاعی و وابسته به محافل امپریالیستی تحت عنوان "مجاهدین افغان" به جنگ با دولت افغانستان ادامه دهد است اکنون در این طرح هم رسماً "در امور افغانستان دخالت کرده و راه حل مسئله افغانستان را دخالت رسمی نیروهای نظامی ایران و پاکستان و یک کشور دیگر است. در افغانستان میدانند. همچنین در این طرح با نفی دولت و خلق افغانستان اداره امور سیاسی افغانستان را بدست یک "شورای ۳۰ نفره اسلامی" متشکل از روحانیت مبارز و متعهدجهان اسلام و این شورا است که یک "شورای موسس از روحانیون و خبرگان افغانستان" را انتخاب کرده و سپس شورای فرماندهی برای نیروهای نظامی و ارتش افغانستان و شورای انقلاب بوسیله آن اداره خواهد شد. و در ضمن تا تشکیل مجلس مؤسسان و تعیین نوع حکومت و تدوین قانون اساسی شورای مؤسس به مثابه مجلس و شورای انقلاب مثل دولت کار خواهد کرد و نیروی مسلح اسلامی (متشکل از قوای ایران و پاکستان و یک کشور دیگر اسلامی) در زیر پوشش عالی شورای ۳۰ نفره - روحانیت جهان اسلام عمل خواهد کرد. با این وضع ما با یک لبنان دیگری روبرو هستیم که هر یک از دول دخالت کننده در امور افغانستان سیاست و برنامه های خودش را پیاده خواهد کرد که در نهایت آقای موسوی امیدوار است یک جمهوری اسلامی نظیر آنچه در ایران پیاده کرده اند در آنجا برقرار کنند. این مسئله را نیز حسین موسوی در نما حبه اش بصراحتاً اقرار کرده است. او میگوید: "این طرح با توجه به بافت داخلی افغانستان و تجربه سیاسی که در انقلاب خود داشتیم تهیه شده است."

۲- این طرح حق حاکمیت دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان را زیر پا گذاشته و در هیچ کجای آن اسمی از دولت افغانستان به میان نمی آرد. گوئی دولتی وجود ندارد وقتی که میگوید "مذاکره در مورد طرح فوق میتواند بدست پذیرش اصول دوگانه و چارچوب کلی طرح از سوی شوروی بین پاکستان و ایران و نمایندگان مجاهدین افغانی شروع شود."

یعنی در مسئله افغانستان دولت شوروی از یک طرف و دولتین ایران و پاکستان و "مجاهدین افغانی" وجود دارند و دولت خلق افغانستان مطرح نیست. در این بنا بر دولت ایران حتی از دولت ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم پاکستان هم را قرا ترک گذاشته است زیرا دولت پاکستان لا اقل با حرکت از واقعیت مذاکره با دولت افغانستان را قبول دارد در حالی که دولت ایران با لکل دولت خلق افغانستان را حذف کرده است. روزنامه اطلاعات مورخ ۲۲ آبان در این باره مینویسد: "لازم به یاد آوری است که پاکستان از آنجا مذاکرات سه جانبه بین ایران و پاکستان و حزب حاکم افغانستان حمایت کرده است"

اما اینکه چرا دولت ایران چنین طرحی را ارائه داده است صرف نظر از جنبه های تاکتیکی و انتخابی که به آن اشاره کردیم، مسئله اینست که دولت ایران بعنوان یکی از کشورهای داخل در قضیه افغانستان و با توجه به طرحهای متعددی که در این باره داده شده است باید چیزی میگفت و ثاباً "وجود یک میلیون و پانصد هزار افغانی در ایران با توجه به بیکاری بیش از ۴ میلیون نفر و مسئله جنگ و بحران اقتصادی، مشکلات فراوانی را بوجود آورده است که بهمین دلیل یکی از خواسته های ایران بازگردانیدن افغانیها به افغانستان است و یکی از مواد طرح ایران "بازگشت پناهندگان مجاهد افغانی به داخل خاک افغانستان می باشد. علاوه بر آن اخیراً "هم محدودیت ها برای افغانیها ایجاد شده و برنامهمگردآوری افغانیها در اردوگاهها برای تحت کنترل درآوردن آنها و سپس خراج آنها در دستور می باشد.

شک نیست که خلق افغان در شرایط دشواری بسر میبرد. جنگ داخلی که از یکسو نتیجه شیوه های بلانکیستی قبضه قدرت و اقدامات اشتباه میز و عجلانسه دولت جمهوری دمکراتیک افغانستان در پیاپی دم کردن برنامه های اقتصادی - اجتماعی و وجود اختلافات شدید بین احزاب تشکیل دهنده حاکمیت از سوی دیگر و فعالیت خرابکارانه و ضد انقلابی مرتجعین و قشربون، مالکان ارضی و سرمایه داران (که تحت نام مجاهدین افغان فعالیت میکنند) که ارتجاع منطقه و امپریالیسم جهانی بآن دامن میزند، میباشند، توده ها را با مشکلات بسیار روبرو کرده است. از طرف دیگر حضور ارتش شوروی - اگرچه در جلوگیری از تسلط ضد انقلاب و مداخله و تحریکات خارجی نقش داشته است - خود به عاملی در تشدید بحران در جامعه افغانستان و لطمه به حیثیت جنبش جهانی سوسیالیستی بدل شده است که چنین مسائلی ضرورت خروج هر چه زودتر آنرا ایجاد میکند. اما در این هم شک نیست که راه حل بحران افغانستان نه در طرحهای نظیر آنچه ایران یا پاکستان... ارائه میدهند نهفته است بلکه راه حل بحران را باید اتخاذ یک سیاست انقلابی و دمکراتیک جستجو کرد. این راه حل انقلابی اجرای برنامه های انقلاب دمکراتیک نوین با اتکاء به نیروهای این انقلاب یعنی کارگران، زحمتکشان، شهروروستا و خزده بورژوازی با رهبری طبقه کارگر میسر است. بدیهی است در صورتیکه این نیروهای دمکراتیک جامعه افغانستان قوه محرکه انقلاب باشند و مسلحانه از دستاوردهای خود دفاع کنند هیچ نیروی ضد انقلابی و ارتجاعی قادر نیست در مقابل انقلاب مقاومت کند و در این حال اصولاً نیازی به حضور قوای شوروی یا کشور دیگری بجا نخواهد ماند.

## میتینگ

در حاشیه میتینگ: در ابتدای میتینگ تعداد حدود ۳۰ نفر عنا صر مزدور حزب الهی مسلح به چاقو - چماق و زنجیر قصد برهم زدن این میتینگ افشاگران را داشتند که بدلیل حمل سلاح در خیابان توسط پلیس بازداشت و سپس از چند ساعت آزاد شدند.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

# اخبار مدارس

## تهران

مدرسه بهار آزادی - در تاریخ ۶۰/۸/۶  
 هواداران مجاهدین موفق میشوند از فرصتی بدست آمده حدود ۱۰۰ اعلامیه - دستنویس را در مدرسه پخش کنند، بچه ها با تعجب از این عمل تعریف می کردند. اکثریتی ها از این کار عصبانی شدند بودند، عکس العمل مدرسه هم این بود که مستخدم مدرسه دانش آموزان را با زجوشی بدنی کرد ولی موفق نشدند اعلامیه ها و پخش کنند آنها پیدا کنند.

## قزوین - دبیرستان متحدین :

دانش آموزان کلاس چهارم ریاضی روز ۱۲ آبان بعنوان اعتراض به دبیر هندی که قاره تدریس این درس نیست (زیرا که قبلاً دبیردینی بوده) جلوفتر مدرسه تجمع کرده و خواستار تعویض دبیر فوق میشوند. بهزاد پورمدیر مدرسه در پاسخ به دانش آموزان میگوید ما دبیر دیگری نداریم یا با پیدا این دبیر بیاید و با خودتان درس را بخوانید. یکی از دانش آموزان گفت پس چرا دبیرهای خوب را اخراج میکنید، مثل آقای حاج سیدجوادی، در اینصورت یکی از جاسوسان انجمن اسلامی گفت او که فریب دوجوشق تدریس ندارد. یکی از بچه ها در پاسخ این مزدور گفت: شما به هر کس که مخالف شما باشد کفر خطاب می کنید آخر نمیدانم هندی های را که بقول شما یک کافر تدریس می کند یا هندی یک دبیر مکتبی چه فرقی دارد. شما فقط حرف خودتان را با زور پخش می کنید ما علیرغم ناراضی بودن شدید دانش آموزان مجدداً این دبیر به کلاس آمد و گفت آنها که میخواهند مرا تعویض کنند نه بخاطر درس که بخاطر مسائل سیاسی است!

## همدان

دانش آموزان پیشگام همدان طی اعلامیه ای مردم را به مبارزه علیه سرکوب و اختناق و پاسداری از آرمان شهدای ۱۲ آبان دعوت نمودند. در این اعلامیه آمده است :  
 .....  
 ۱۳ آبان روز دانش آموز میرویم که از اول سال تحصیلی جاری سایه شوم - دیکتاتور و خفقان در تمام مدارس ایران گسترده شده است .....  
 نباید اجازه داد که ابتدائی ترین حقوق صنفی و انسانی ما با بحال گردد .....  
 خواست توقف پاسداری، لغو کلیه محدودیتهای صنفی و خواست آزادی عقیده در مدارس با زکشت تصفیه شدگان انقلابی، آزادی دستگیر شدگان و لغو تفتیش بدنی دانش آموزان و ... در زمره ابتدائی ترین خواسته های است که باید حول آن یک مبارزه گسترده را علیه سیاستهای رژیم حاکم در مدارس به پیش ببریم. اتحاد معلمان با محصلین مبارز میخواهند سدی استوار در برابر سیاستهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی در مدارس بوجود آورند.

## سربند - دبیرستان کوسر

دبیرستانها در این منطقه از ۱۸ مهر با زشد. دبیرستان فوق در وسط شهر وروبروی کمیته سپاه پاسداران است. مدیر دبیرستان هم یکی از ساواکهای کارآموز رژیم شاه و مزدور رژیم کنونی است که تاکنون چندین دانش آموزان را اخراج کرده است. دانش آموزانی که برای ثبت نام می آمدند بخاطر اینکه

خواهرها برادرانها در زندان است از نامنویسی خودداری میکنند. در مورد حساب اخباری هر کس سه بار موباش چه رسر کلاس وجه در حیطه مدرسه دیده شود از مدرسه اخراج میشود.  
 در مدرسه یک کمیته امنیتی (ساواما) تشکیل شده که رابطه سپاه پاسداران با مدرسه است سه دانش آموز دختر بنامهای  
 ۱- سلیمی (دوم تجربی) ۲- معتمدخواه (چهارم تجربی) ۳- عالی پور هویه (دوم - تجربی) و دو پسر بنامهای رضا گودرزی - (با داد و وی) و مهدی زبیدی (پاسدار) - اعضای ساواما هستند و حتی زبیدی جزو تیم گشتی میباشد (این مدرسه نصف روز به پسران و نصف روز به دختران اختصاص دارد) در این دبیرستان علیرغم جو خفقان، هنگامیکه یکی از دانش آموزان را میخواهند استناد اخراج کنند با مقاومت سرخشان کلیه دانش آموزان بجز حزب الهی ها مواجه شدند.

دبیرستان ابوذرفغاری - هنگامیکه در تاریخ ۶۰/۷/۲۵ در یکی از کلاسها، دانش آموزان به نمایندگی از کلاسها، که از سوی مسئولین مدرسه انتخاب شده بود و جزو جاسوسان بود اعتراض کردند قرار شد برای گیری صورت گیرد. دو حزب - الهی و دودانش آموز دیگر گردانید شدند اما پس از سه بار برای گیری و ابطال آن بدلیل اینکه جاسوسان انتخاب نشده بودند معان و مدرسه بشتدت شکنج شد و دانش آموزان نیز می گفتند مثل انتخابات قلابی خودشان میخواهند عمل کنند و وقتی زای گیری بنفع شان نیست باطل اعلام میکنند.

## سنندج

دانش آموزان پیشگام سنندج طی اعلامیه ای که در تاریخ ۶۰/۷/۱ منتشر کردند ضمن محکوم کردن سیاستهای ترور و اختناق رژیم، رهنمودها را به دانش آموزان داده اند. عنوان این اعلامیه مدارس را به سنگرمبارزه علیه سیاست ترور و اختناق تبدیل کنیم می باشد - وظایف دانش آموزان انقلابی را با این ترتیب اعلام کرده اند :  
 ۱- ابتدا با یدنوگ تیز حملات خود را علیه اخراج، دستگیری و تصفیه قرا رژیم و نگذاریم رژیم مدارس را بدون حضور نیروهای انقلابی بگشاید. در میان دانش آموزان اخراجی و تصفیه شدگان شکل های اولیه را بوجود آوریم و اهداف رژیم را از شیوه پاسداری و تصفیه در وسیعترین شکل در میان توده ها تبلیغ نماییم.

۲- در مدارس افشاگریهای سیاسی را وسیعاً سازمان دهیم و رابطه سیاستهای رژیم در مدارس را برای توده های دانش آموزی تشریح نماییم و در این راه با دیرترین پیشروترین افشار دانش آموزان شکل مخفی مستحکمی را سازمان داد. و با توجه به شرایط کار مخفی خود را از ضربات رژیم محفوظ داریم ولی این به معنای نفی استفاده از شیوه های علنی مبارزه با در نظر گرفتن شرایط نمی باشد.  
 ۳- با یدحول شمارها و مبارزات دمکراتیک تمامی نیروهای ممکن را گرد آورده و عواما ملو جاسوسان رژیم را کاملاً افشا کرده و این عناصر را در بین توده های دانش آموزی طرد و منفسرد نماییم.

۴- ضمن افشای سیاست رژیم مستحکم - های هوادار اکثریت و حزب توده خائن برای آخرین بار به هواداران آنان اخطار میکنیم که اگر بدنتیا له روی از خیانت رهبران نشان ادا نمیدهند در

پیشگاه خلق محکوم بوده، بخشیده نخواهند شد و ما آنها را شریک جنایت های جلادان رژیم محسوب خواهیم نمود.  
 ۵- بیوند مبارزاتی خود را هر چه وسیعتر گسترده داشته باشند مستحکم گردانیم، مسائل توده ها را بشکل ملموس با مبارزات دانش آموزی گره بزنیم و عملاً به دانش آموزان نشان دهیم رژیم که آنها را سرکوب میکند همان رژیم است که کارگران و زحمتکشان و خلقها را سرکوب میکند. و مسائل دانش آموزان را به میان توده ها ببریم.  
 ۶- رفقا خود را فقط به تشکلهای دانش آموزی محدود نکنیم، با ید وسیعترین نیروی ممکن را در جهت تبلیغ و ترویج مسائل علمی جنبش بسیج نماییم. با شما زبویسی و پخش اعلامیه ها، فعالیت خود را گسترش بخشیم.

## تهران

رژیم جمهوری اسلامی پی برده است که بعد از دانشگاه مدارس یکی از پایگاهها و رشد اندیشه، آگاهی و پیشبرد مسائل انقلاب است با شدت هر چه تمام تر به کنترل با زرسی و ... دانش آموزان پرداخته و در نظر دارد تا کوچکترین زمینه رشد آگاهی دانش آموزان را از بین ببرد. در مدارس علاوه بر تفتیش بدنی، تفتیش عقاید و جلوگیری از هرگونه بحث حول مسائل و جا معه بشتدت جلوگیری میشود اما علیرغم کلیه فشارها، تهدیدات و جواختناق مبارزه با اشکال مختلف جریان دارد.

روز سه شنبه ۶۰/۷/۲۱ ساعت ۷/۵ صبح از بلندگوی مدرسه قرآن پخش میشد. اما دانش آموزان توجهی باین مسئله نداشتند و بکار خود مشغول بودند یکی از جاسوسان انجمن اسلامی پشت بلندگو رفت به عید توجه بچه ها اعتراض کرد و سپس از هممنه خواست که دستها را بپیکر بردارد و دعای کمیل بخوانند. پس از اینکه چندین بار در خواست خود را تکرار کرد و منطبیج نمود که برای درهم شکستن منافقین و دشمنان این مدرسه اینکار را قدام کنید تنها ۱۰ دست که متعلق به ۵ نفر انجمن اسلامی بود. این دعوت را پاسخ گفت و سایر دانش آموزان با بی اعتنائی به این دعوت مشت محکمی بردشان مزدوران گویندند.

همچنین در یکی از مدارس که به جنگ زدگان احتصاص یافته مدیر مدرسه از دانش آموزان خواست که تا یک هفته دیگر همه با پدروسی ضخیم بیوشنند، پس از یک هفته مدیر مدرسه کلیه دانش آموزان را که بهمان وضع سابق ادا داده بودند توبیبا خواست نمود و آنان را متهم به فساد اخلاق کرد. دانش آموزان گفتند اگر قرار باشد هر روز برای هر بخشنامه ای مجبور شویم چیز جدیدی بخریم مکان مدرسه آمدن ما نیست، ما جنگزده هستیم و با رجه متری ۱۸۰ تومان نمی توانیم بخریم. مدیر گفت من این حرفها سرم نمی شود تا دوروز دیگر با ید حتماً روسری ضخیم بیوشد و دانش آموزان معترضی گفتند: "بله سرش نمیشود، به معنی اینکه پروزدی کن ولی حتماً ظاهر اسلامی داشته باش. آنها فقط ظواهر را در نظر می گیرند بی خود نیست که بسیاری از دزدان بزرگ، ساواکیها و ... ظاهر اسلامی پیدا کرده اند.







# اخبار شهرستانها

تهران

## شرکت واحد

طرح زنانه و مردانه کردن اتوبوسها با مقاصد مردم با شکست مواجه شد.

پس از تصمیم به اجرای زنانه و مردانه کردن خطوط بطور آزمون پستی سه خط برای این کار در نظر گرفته شد. اما به علت درگیریهای متعدد و اعتراضات زیاد در این خطوط که بارانندگان، کمک رانندگان و مسئولین خطوط پیش آمد، اجباراً طرح مذکور اجرا نشد. مدیرعامل شرکت واحد وظیفه نظرخواهی درباره این طرح را بعهده روابط عمومی شرکت گذاشته بود. این نظرخواهی که بصورت مصاحبه‌های با مردم روی نوار ضبط شده بود حاکی از عمق ناراضی پستی مردم از این طرح بود. برخی از آنان در نوار حتی بی‌مها با بهانه‌های گویبی پرداخته بودند. شکست عملی طرح در خطوط آزمایشی و نوارهای مصاحبه چنان خشم مدیرعامل را برانگیخت که یکبار به دستور اخراج مسئول روابط عمومی را صادر کرد و در همین حال دستور داد که کلیه کارکنان روابط عمومی را به شرکت راه ندهند. (زیرا این بار امت حزب الله آنچه را که مدیران میخواهند گفتند بودند) جالب اینجاست که مسئول روابط عمومی خود از نزدیکان و وابستگان به انجمن اسلامی است و اخراج وی تضاد بین مدیرعامل و انجمن را نیز تشدید کرده است. بهر حال تلاش‌های بعدی منجر به تعلیق دومه کارکنان روابط عمومی گردید.

## قزوین

پس از اعدام یکی از انقلابیون بنام سعید (مجاهد) خیابان، وقتی خبر به گوش خانواده‌اش میرسد، خواهرش به خیابان می‌آید و در مرگ برغمینی میگوید و از مردم میخواهد که به خیابان بیایند. پدرش به خواهش توصیه می‌کند که گریه نکن اما شب عروسی پسر است و شیرینی پخش میکنند. پدرش به سپاه پاسداران رفته و از آنها جسد پسرش را خواسته ولی آنها ندادند. پدرش گفته لا قل یک لنگه کفش بچاهم. را بدهید ولی با زهم آنها کشتن متاع کردند.

## همدان

مجاهد شهید فرشته پمانی که پس از دستگیری شدت مورد شکنجه قرار می‌گیرد به بیمارستان منتقل شده و یک شاهد عینی در بیمارستان می‌گوید هنگامیکه او را به بیمارستان آوردند و نیمه‌جان بود پس از نیم ساعت چند پاسدار مزدور را بر او زاری بیمارستان برده و حدود ۱۱ گلوله به شکم وی شلیک میکنند بطوریکه تمام حشاء او بیرون میریزد اما پاسداران سرما به به پدر شهید میگویند و در هنگام دستگیری فرار کرد اما مجبور به شلیک شدیم و سپس او کشته شد!

## همدان

در ساعت ۲/۵ روز ۸/۱۹ پاسداران سرمانه یک تاکسی را که حامل دو مسافر بود در خیابان تهران برگیرا زنی بودند، که در اثر آن یکی از دو مسافر کشته و دیگری زخمی میشود. حدود ۱۵ نفر از مردم جمع میشوند به پاسداران اعتراض کرده و علت را جویا می‌شوند. ولی پاسداران در جواب مردم را تهدید کرده و از آنها

منخوا هند متفرق بشوند و از آنجا که تاکسی را هم به علت اینکه آن دو مسافر را پیاده نکرده بود توقیف کردند. این حرکت ضد خلقی پاسداران مردم را بشدت عصبانی کرد و آنها ناراضی خود را با فحش دادن بنیان میکردند.

بنابراین دعوت ستاد بسیج اقتصادی برای تشکیل شرکت‌های تعاونی قرار بود که مردم کوچه ۱۷ شهریور خیابان کرمانشا در مسجد محل نمازگاهشان را انتخاب کنند. مردم اما ده بودند که نمازگاهشان را انتخاب کنند ولی قبلاً برای نشان نمازگاه مکتبی و حزب - الهی را انتخاب کرده و معرفی اش کردند. مردم اعتراض کرده و خواهان انتخاب نمازگاه واقعی خود بودند ولی مسئولان توجه نمی‌کردند. عده‌ای از زحمتکشان نیز به گرفتن اجباری ۱۰۰ تومان اعتراض کرده و به این ترتیب مردم مسجد را ترک می‌کنند.

## زنجان

زنجان سیاه‌پوشان زن‌ها در زنجان تحت اذیت و شکنجه بسیار قرار دارند، گفته میشود عده‌ای حدود یکم نفر از زن‌ها در زنجان آماج خود را جهت اعدام شدن اعلام کرده‌اند. این حرکت اعتراضی است علیه شکنجه‌ها، بخصوص شکنجه‌های روانی مثل اعدام قلبی و.....

پورش پاسداران مزدور به مردم زحمتکش ابيوردی - به نقل از خروش شماره ۸

در هفته گذشته پاسداران سرما به محله زحمتکش نشین ابيوردی را به محاصره خود در آورده و شروع به خانه‌گردی نمودند در این یورش بیش از ۱۰۰ تن از مردم زحمتکش محله دستگیر و تعدادی نیز زخمی شدند. پاسداران مزدور که از ساعت ۴/۵ صبح محله را به محاصره در آورده بودند هرگونه رفت و آمدی را در آن منطقه ممنوع و افراد را بران نیز مورد بازرسی و سؤال و جواب قرار میدادند.

مزدوران رژیم با این عمل خود نشان دادند که چقدر در سرکوبی توده‌ها و نیروهای انقلابی ناتوان و علیرغم تبلیغات عوام‌فریبانه رژیم هیچ پایگاهی در بین توده‌های زحمتکش ندارند و این حرکت مزدوران خشم‌توده‌های زحمتکش را نسبت به رژیم دمدنش جمهوری اسلامی ضدچندان نمود.

اعدام انقلابیون در کازرون - به نقل از خروش شماره ۸

حدود دو ماه پیش چندین نفر از انقلابیون در ممسنی دستگیر و به کازرون اعزام شدند. در تاریخ ۴ مهر، ۴ نفر از این انقلابیون بنام‌های عباس (گوروش) کیانی، هوادار، راه‌کار، رگر، شهباز، لاری، علی‌برایان، زینکنا، موله‌عزیزی از هواداران مجاهدین خلق در کازرون بدست دژخیمان رژیم پشاهان دستگیر شدند. این انقلابیون تنگ‌نوا نژاد مردم را در ممسنی برانگیخت و توده‌ها با شرکت با شکوه خود در مراسم تشییع جنازه شهدا خشم خود را بر علیه رژیم به نمایش می‌گذاشتند.

## اهواز

در تاریخ ۶/۸/۱۳ عده‌ای فالانسان که سوار یک جیب استیشن بودند از ماشین پیاده شدند و در یک سیگار فروش را به همراه چند تن دیگر تهدید و اسلحه‌ها را برایشان برداشتند، عده‌ای که معلوم نبود از اراکان است وزن و بجهت پیش بردن رگنار که بودند در مقابل اعمال فالانها ایستادگی کرد. او می‌گفت: چرا

سیگارها را می‌برید، من خرج زن و بچه‌ها را با فروش آنها در می‌آورم، یعنی می‌کنید. دزدی بکنم..... در اینجا مردی سیگار فروش که صورتش از عصبانیت سرخ شده بود حرفش را نیمه‌تمام گذاشت. مردم کم‌کم دور آنها جمع شدند مردم موضوع از دهکده‌ها رپشتیانی می‌کردند. فالانها که وضع را نامناسب دیدند سیگارها را داخل ماشین گذاشتند و از محل دور شدند. در تمام این مدت فالانها کلت‌های خود را بیرون آورده بودند و دهکده‌ها را و معترضین را تهدید می‌کردند.

چندی پیش فالانها که سوار ماشین بودند، ما شین را تعقیب کردند. به آنها ایست دادند و دوسرین را با ما شینشان به محل خلوتی بردند و گفتند که شما ضد انقلابید، ما شما را تعقیب کرده‌ایم پس آنها را مفصل زده و به آنها رنگ پاشیدند و ما شینشان را بردند. فردای آنروز که سرشینان ما شین برای پس گرفتن ما شین به یکی از کمیته‌ها (کمیته صحرای) رفتند دیدند ما شینان آنها را با یک است جریا را گرفتند، مسئول کمیته گفت که ما خبر نداریم. دیدیم که ما شین همینطور گوشه‌ای پارک است آنرا اینجا آوردیم. ما به این اعمال دزها هوا زنیاد است. دزفول ۶۰/۷/۲۵

در این روز رژیم سفاک جمهوری اسلامی هشت نفر از انقلابیون را به جوخه‌های اعدام سپرد. رژیم کوشید تا این جنایت از دید مردم پنهان بماند. پاسداران ۴ جسد را به دور از چشم مردم به قبرستان ولی آباد (بطرف جاده شوشتر - سیاه منصور) بردند و به خاک سپردند. رژیم از اعلام رسمی خبر خودداری کرد اما بزودی خبر این جنایت در شهر پیچید و تنگ‌نوار هر چه بیشتر مردم را علیه حاکمان جنایتکار رژیم خمینی جنایتکار برانگیخت.

## سربند

مقاومت جنگزدگان در مقابل تخلیه اجباری منازل - در تاریخ ۶۰/۷/۲۸ ساعت ۱۲/۵ ظهر ما شین سیاه جهت تخلیه منازل آنها که قبلاً متعلق به فرهنگیان مجرد بوده و از چندی پیش به جنگ‌زدگان اختصاص یافته بود می‌آید. رئیس ادار فرهنگ به همراه دو پاسدار زنیاد شده و به طرف عده‌ای از مردم محل می‌روند و برخاسته کنان از مردم میخواهد که خانه‌ها را تخلیه کنند. مردم که پس از باز شدن مدارس از این تهدیدات زیاد دشمنانه ندبا پوزخند و تمسخر در مقابل تهدیدات او مقاومت می‌کنند. او که بی‌تفاوتی مردم را درقبال تهدیدات خود نمی‌بیند شروع به داد و بیداد و وعده و وعید می‌کند و میگوید: به شما پول میدهم که کپور (خانه حصیری) یا چادر بزنید و..... ولی جنگ‌زدگان که بی‌مسئولیتان زمستان با سال را تجربه کرده بودند - موافقت نکردند و او که دیدد مقابل اتحاد یکبار چه مردم کاری نمیتواند بکند در حالیکه بر میگشت گفت: "حاکم شرع را می‌فرستم سراغ شما زبان نفهم‌ها تن حسابتان را بنزد".

در تاریخ ۶۰/۸/۲ ساعت ۱۰ صبح در ایستگاه سربندر قطاری متوقف شد که حامل ۷ دستگاه آمبولانس بود که از آمریکا خریداری شده و مستقیماً به بندر خمینی منتقل شده بودند تعدادی از مردم جمع شده و نظاره‌گر صحنه بودند. تعدادی نیز شمار مرگ بران آمریکا میدادند در همین موقع یک مرد حدوداً ۶۰ ساله در حالی که پشت خود را به سوی آمبولانسها گرده کرده بود در برابر مرگ بران آمریکا و یکی دیگر از چارین گفت مگر خمینی شکست ما بقیه در صفحه ۱۹

### اخبار شهرستانها

رابطه با آمریکا را میخواهیم چه کنیم پس چرا از آمریکا آمبولانس میخورد؟  
فلاحیه (شادگان) - ۶۰/۷/۲۷

وقتی رفت و آمد در شهر بجز باریان افتاد لودرها، گراپلورها و... شهرداری نیز شروع به کار کرده، به تخریب ساختمانهای موجود در دو طرف تنها خیابان شهر مشغول شدند. عا برین با بخت و حیثیت و ساکنین ساختمانهای مذکور با غیظ و خشمی فروگرفته به این عمل ضد انسانی نگاه میکردند. شهرداری و سپاه پاسداران فلاحیه (شادگان) طبق طرحی که در -

فرمانداری به تصویب رسیده مبنی بر - بلوا کردن خیابان اصلی شهر، اخطارهای حدود ۲ هفته پیش به تمامی ساکنین این خیابان اعلام زمان زده دارها و صاحب خانه ها داده شد و آنها ۱۵ روز وقت دادند که محل را تخلیه نمایند. فقط به آنها قول داده بودند که زمین و ساختمان را به بهائی که گوش بسیار پائین نینوده است از آنها بخرند. (البته فقط قول بود) و اینک که موعدها تمام یافته بود، خرابکاران رژیم جهت خراب کردن خانه های مردم و ساختن بلوا ربه منظور زیبایی شهر به توده ها هجوم آوردند. مردم چون چائی نداشتند بروند، مغازه دارها که نمیتوانستند مکانی به موقعیت آن محل بیا بندواز - طرفی هیچ اطمینانی به قول حکومتیان نداشتند، به اخطار ربهی تفاوت بوده، از تخلیه محل خودداری کرده بودند. وقتی لودرها به دیوار خانه ها هجوم میبردند، با ریزش دیوار آهی از آنها دوتوده ها برمیخواست، ساکنین به سرعت به خشمی برون از حد در تردید بودند که حد اقل - اثار و اسباب خود را نجات دهند - تعدادی التماس میکردند که اجازه دهند در و پنجره ها در بیا و روند، اما گوش خرابکاران بدهکاران حرفها نبود. مرد زحمتکشی که در بارها زار جیم و عبا میپا فدومی فرو شو دو یک خانه هشت گلی محقر در این مسیرداشت، وقتی هشتی خود را در معرض نابودی دید و اطاق لب خیابان شده ا دزد "خراب کنید، من همینجا میمانم تا زیر آوار بمیرم" مرد دیگری در حالیکه طفلانش را جمع میکرد فریاد میزد "اینکار شما هم مثل سب - باران کردن صدام، زه شما از صدام هم کافر تریدنه فقط بما کمک نمیکنید بلکه خانه ها را بر سرمان خراب میکنید، عتقا" این کارتان نیز سلاسی است" چند نفر از عناصر زشکار و حزب اللهی دور این زحمتکشان طغیان زده، گرفتند و با زبانی تهدید و تطمیع سعی کردند آنها را رام نموده، از محل دور نمایند.

فلاحیه (شادگان) - او اخر شهریور - فشا حکومت بطور مضاف بر آوارگان ادا م دارد، با فرارسیدن مهرماه و آغاز سال تحصیلی، پاسداران ضد خلقی رژیم جمهوری، بهانه ای گریز آورده و به توده های که در مدارس سکنی یافته بودند هجوم برده آنها را از مدارس بیرون انداختند. در فلاحیه نیز پاسداران پس از دادن یک روز مهلت به آوارگان ساکن در دبیرستان خمینی (فردوسی سابق) به دبیرستان مذکور هجوم آورده و در میان جیب گریه و داد و فریاد زنان و کودکان اثار و اسباب توده ها را بیرون ریختند و هر که را میخواست اعتداف کند تهدید به دستگیری و زندان میگردند. آوارگان مزبور که وضع را چنین دیدند به فرمانداری

رفته تا از فرماندار کمک بگیرند آنها فکر میکردند شاید فرماندار رجا نت آنها را بگیرد، اما فرماندار که خود در طرح این نقشه بی تقصیر نبود، کار پاسدارها را تا شیدوبیا تهدید نموده ها را او اداری میگرد که به مشهد و تبریز بروند. آوارگان - میگفتند، ما اغلب در ماه شهر، سر بندر ویا خود فلاحیه داریم کار میکنیم و تا زه کجا می توانیم سرملی شمال کشور را تحمل کنیم، بنا بر این مجبوریم اینجا بمانیم حد اقل بما چا در بدهید در نخلها بنیم. فرماندار این پیشنهاد را رد کرده و در حالیکه آوارگان را تهدید میکرد فریاد میزد با ید هر چه زود تر بروید و دیگر پیدایتان نشود.

آوارگان با لاجبار اسباب و اثار شیه خود را به نخلها آورده و بانی و برگ درخت خرما به ساختن کپرها ئی جهت زندگسی پرداختند.

حدود بیستم مهرماه کارگران انبار صادرات شرکت نفت (قسمت بخش) در برابر پاسداران دست به حرکت جالبی میزنند. آنها که مطلع شده اند سپاه قصد ا ر د تحت پوشش و بهانه آوردن اما م جمعه برای کارگران دست به جاسوسی در میان - کارگران زنند، تصمیم میگیرند یکی از کارگران خودشان را که در عین مذهبی بودن فردی دمکرات و متدین میباشد، به امانت جمعه برگزینند و چنین نیز - میکنند. این حرکت کارگران نشان داد که طبقه کارگر قدار به خشنی نمودن هر اقدام ضد انقلابی حاکمیت می باشد و بیش از پیش عوا م فریبی های او زهرده بیرون افشاده است.

طنی بخشنامه ای که در تاریخ ۶۰/۸/۵ به اداره مخابرات ما شهر رسید برگزار نما ز روزانه در آواز هر روز از ساعت - ۱۲/۱۰ تا بعد از ظهر اجباری میباشد. لیکن خانه ها نمیتوانند بعلت قلت جلا در خانه های خود عبادت را بجایا و روند! همچنین در این طعنه مذکور شده که خواهان از تاریخ ۶۰/۸/۷ باید - اونیفورم (یعنی لباس و شلوار منگنه) بپوشند و در صورت عدم رعایت اونیفورم از خدمت منمصل خواهند شد. با این ترتیب سعی میکنند با ایجاد فشارهای گوناگون کارمندان را وادار به استعفا نما یند تا کمکی به کمبود رزوکسیه خالی دولت باشد.

در هفته گذشته وضع گاز و شیل در ما شهر خیلی خراب بود. کویا دو کنتسی یکی هندی و دیگری بنام ایران رضوان توسط عراق در تنگه هرمز غرق شده که به همین علت کنتسی ها ئی که برای ایران گاز و شیل آورده اند (از لیبی و...) نتوانسته اند با وجود مانع در تنگه خود را به بنادر ایران (بندر خمینی "شاپور") برسانند. به همین جهت صف کای میونهای سنگین برای گرفتن گاز و شیل بسیار شلوغ بود. (در حدود ۶ آبان) همچنین مدتی است که یخا طرحلات پی در پی هوای عراق کشتی به بندر خمینی وارد نمیشود.

### لرستان

#### بزرگساز

در تاریخ ۶۰/۷/۳۰ ساعت ۳ بعد از ظهر مراسم از سوی خانواده شهدای خلق بر مزارشان برگزار شد در این مراسم که جمع کثیری شرکت کرده بودند ابتدا چند نفر از اعضای خانواده شهدا را بطه با خصوصیات و آرزمان فرزندانشان که هم نارهائی کارگران و زحمتکشان از هرگونه ستم و استثماری سخن گفتند

شددرا این هنگام که دامنه افشا گریه ها گسترش می یافت و جنايات رذیلانه رژیم آشکارا میگردد پد پاسداران سرما به پام خانوادهدهدا یورش برده و بی شرمانه ما داران و پدران پیرا مورد حمله قرار دادند و این خصوصیت تمامی رژیمهای ضد خلقی است که در میان مردم پایگاهی ندارند در همین رابطه تعدادی نیز دستگیر شدند.

در بروردن اسامی ختمای جدیدی در خیابان خرونزدیک چهار راه ساخته میشود که ظواهر "برای دادگستری" است اما زیرزمین آن برای زندان ساخته شده است.

طبق گفته یک نفر بسیجی، رژیم به هر کس که یک نفر از نیروهای انقلابی را بکشد ۱۷۰۰ تومان جایزه میدهند.

در مهرماه فرار از رزیج بر وجود ابعاد گسترده ای یافته و هر روز که میگردد آن دستها ز افرادی که نا آگاهانه بخدمت دزاین ارگان ضد خلقی جلب شده بودند حاضر به همکاری و جنایت نشده و مزدور را به جیره خواران رژیم میسپارند.

رفقای هوادار سازمان در بروردن رابطه با شهدا ت چند فدا ئی خلق اعلامیه ای منتشر کردند در این اعلامیه آمده است:

بیارای ابرتوفانی بیارای انقلاب خون..... هنوز از شهدا ت رفقا ما هیگیر و فتوتی چند روزی نگذشته بود که دژ خیمان با زهم جنایت آفریدن و با گلوله های سربی قلب چون آتش فدا ئی خلق رفیق مرتضی طبیائی، این رهرو را که کارگران و زحمتکشان را به همراهی ۹ رزمنده دیگر خلق از حرکت بازداشتند.

آری در این جمهوری سیاه هر کس که خواهان تغییرات اساسی باشد، باید که از جان مایه بگذارد، باید که فدا ئی باشد، و رفیق مرتضی یک فدا ئی بود، و نمیتوانست آرام بگیرد در جائی که تمامی حقوق - کارگران و زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران را بنگونه تاجوان سمر دا نه به تاراج میبرد. چگونه میشود فدا ئی بود و تنه نظاره گران همه جنایت و بدبختی و بی عدالتی ماند. نه او نمی توانست همچون خائنین "اکثریتی" شاهده رسه مسلخ بردن خلق باشد و هیچ نگویید و هیچ چاره ای نیندیشد، و چنین بود که با پیروی از آرمانهای سازمان - انقلابیش در پیشا پیش خلق جان ش را به منابه هدیه ای نا چیز در طبق اخلاص نهاد.

رفیق الماسی پاسبان بود ولی نه پاسبان نظم سرما به داران، او همچون دلیر، کیانی و علوی خواهان نظم بود که در آن هیچکس گرسنه و بی سرپناه نمیشد. کار برای کارگران، زمین برای دهقانان، مسکن برای زحمتکشان و آزادی برای خلق فراهم باشد. آنان با شعار استقلال - کار - مسکن، آزادی به میدان آمدند و این جمهوری اسلامی جزو گناهان "کبیره" است و سزائی جز مرگ ندارد و رفقا چه خوب این میدانستند و چه خوب از عهده این مهم برآمدند. بی شک خلق خون فدا ئیانش را پاس خوا هداشت و از آن پرجمی خواهد ساخت سرخ و سرخ و آرزای بریلندی - آسمان پرستار و انقلاب خواهد فراشت، تا افشاگر جلدان حاکم و اهل مبخش و چراغ راهنمای راه زحمتکشان باشد، و از پای نخواهد نشست تا همه مرتجعین را در دریا ی غونی که خود آفریده اند غرق سازد.

### گرامی باد خاطر وفدائی خلق شهید رفیق عبدالرضا غفوری



توضیح - در کارشما ره ۱۳۳۲ از آنجا که تنها به اعدام رفیق عبدالرضا غفوری اشاره شده و بیوگرافی رفیق دردسترس نبوده است تا چاپ شود، در این شماره به چاپ بیوگرافی کامل رفیق - میبادرت میکنیم.

مرگم سپیده دیگری است تا خونم پرچم سرخ کارگران باشد

#### در انقلاب روشن فردا

با رد بگردن دشمنان قرن فدائی - دیگری زان زبر خلق ربودند. رفیق عبدالرضا غفوری در سال ۱۳۳۶ در یک خانواده کارگری در شهر نهاوند متولد شد. پدرش را از زمان ۲ سالگی در یک سالنچه برق گرفتگی هنگام کار از دست داد و سرپرستش بمعهد ما در تبریز - بزرگترش افتاد. مادرش در خانه سرما به دارها رخت شویی میکرد. رفیق بدلیل شرایط زندگی از همان کودکی درد کارگران و زحمتکشان را حس میکرد و در سال ۵۹ با اندک آگاهی در ارتباط با گروه بودجهت پیروزی کارگران و زحمتکشان از تبریز به سرما به داران - مفت خود فعالیت سیاسی خود را آغاز کرد و در اوج انقلاب آنقدر فعال بود که اکثریت قریب به اتفاق آنها و ندیها به پاکسی و صداقتش قسم میخورند. در اوایل انقلاب با سازمان مجاهدین خلق آشنا شد و فعالیتهای مبارزاتی خود را حول این سازمان سازماندهی کرد بعد از - انقلاب یکی از هواداران فعال مجاهدین خلق بشمار میرفت او بیشتر فعالیت خود را در محله فقیرنشین گلشن انجام میداد بیوگرافی که با آگاهی شدن زحمتکشان گلشن حاکمیت ترو و خوفشان بخاطر ترس از این زحمتکشان مسررا هیما شیی خود را که قبلا از این مسیر بود عوض - کردند. بعد از انتشار سازمان حول مواضع اقلیت - اکثریت مطالبات فراوانی داشت در دومین هفته جنگ از تجاری دولتهای ایران و عراق با قبول کلیه مواضع سازمان نسبت به جنگ ارتجاعی و ما را کنیم - لنینیم انقلابی به هواداران پرشور سازمان پیوست و فعالیتهای خود را حول سازمان گسترش داد. او همواره میگفت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران سازمان کارگران و زحمتکشان است. هنوز شمارهایی که با خط زیبای رفیق بردردیوار رهرو دبیرستانها نوشته شده تا حدودی مشخص است: آزادی گروگانها، دوستی با امپریالیسم، دشمنی با خلق ما است

### گرامی باد خاطر وفدائی خلق شهید رفیق کامران علوی



قسمتی از اعلامیه هواداران سازمان در درود - بحثا نسبت شما دت چند روز منده خلق با زان تبریککنیم، شوری بیباکنیم - بهر رهائی خلق، آتش بیباکنیم

با رد بگردست جلادان خلقهای ایران و اهریمنان جمهوری اسلامی بخون چهار تن از رزمندگان فدائی و مجاهدان غشته شد.

فدائی خلق رفیق کامران علوی و مجاهدین خلق بهلولی، صحبت علی و با را حمدی را سرکار ۶۰/۷/۲۳ بطرف جوخه های جنایت بردند تا با خیال باطل خود با شما دت آنها مرگ انقلاب را جشن بگیرند، ولی آنها با سری افراسینه - ها بی ستم در حالی که سرودها را میخواندند و با بداری رزمندگان خلق را از مزمنه میکردند، جلوی گلوله های مزدوران - رژیم قرار گرفتند و با مرگ سرخ خود - انقلاب را تداوم بخشیدند.

آنها به جلادان ثابت کردند که خلق چون کوهی استوار و پابرجا در جلو پویشان ایستاده و مزدوران زبانی را میمقابله با آنها نیست، آنها ثابت کردند که حتی با اعدام بهترین فرزندان خلق نه تنها خللی بر پیکرتن و انقلاب وارد نمی آید بلکه هر قطره خون آنها گلوله ای خواهد بود بر سینه فدا انقلاب حاکم، هر قطره خون آنها ستاره ای خواهد بود در آسمان پر ستاره خلق و خون آنها پرچم سرخ آزادی.

مرگ پروریم جمهوری اسلامی

مرگ بر خمینی خون آشام زنده باد شوراهای مسلح توده های هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - درود ۶۰/شهریور/۳۰

شما ره فدائی، استقلال، کار، مسکن - آزادی - چرا رژیم جمهوری اسلامی به بهانه بمباران عراق، کردستان را بمباران میکند...

رفیق در طول فعالیتش حول سازمان چندین بار دستگیر و زندانی شد، یکبار مجرم بحث در خیابان و یک بار مجرم شرکت در راهپیمایی سازمان در ۱۷ - بهمن بمدت ۳ ماه زندانی شد (زندانی اوین). او بعد از زندان با کوله باری از تجربه و آگاهی فعالیتهای خود را با شور فراوانی دنبال کرد تا اینکه در نیمه دوم مرداد ماه ۶۰ در نهاوند دستگیر و در ۲۵ شهریور در سرکار یک شب غمزه به خیل شهدای راه آزادی راه رها شد. کارگران و زحمتکشان بیبوست، او همانطور که سازمان گفته بود:

با بد مواضع کارگران و زحمتکشان دفاع کنید، دفاع کردید قدم عقب نشینی نکرد. او در زندان اسطوره ای از مقاومت شده بود، برای دیگران - زندانیش، کسانیکه در زندان تا حدودی بقیه در صفحه ۱۲

### پناب است خون من در دست کارگر داس است خون من در دست بزرگوار

### گرامی باد خاطر وفدائی سازمان چریکهای فدائی خلق ایران آذرماه

۷ آذر سیادت فدائیان خلق ایما الله بسیدوس ۱۳۵۱

۸ روز وید بصیرت ۱۳۵۵

۸ آذر سیادت فدائی خلق ایما الله بسیدوس ۱۳۵۸

۲۰ آذر سیادت فدائی خلق پیروز پیروز ۱۳۵۸

۲۹ آذر سیادت فدائیان خلق علی حسینی و

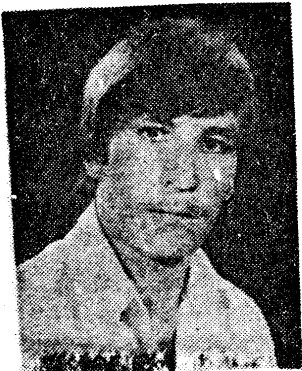
۳۰ آذر ایما الله قلبی ۱۳۵۵

۳۰ آذر سیادت فدائیان خلق شاخوخ اقبال - مبارکتی

بجهد علی نارسا - سعید صابری - خلال دهقان -

رحیم سکرکی - حسن زکی زاده

### گرامی باد خاطر وفدائی خلق شهید رفیق عبداللیمزانی



در سال ۱۳۳۸ در ابراهیم در یک خانواده - زحمتکش متولد شد. دوران تحصیل را با مشقت بسیار طی کرد و در سال ۵۷ موفق به اخذ دیپلم شد. رفیق همزمان با اوچگیری - جنبش خلق در راهیما شیا شرکت فعال داشت و پس از قیام ۲۲ بهمن بدلیل توهمی که نسبت به رژیم داشت به عضویت کمیته محل در آمد اما از آنجا که بتدریج به ماهیت فدمردمی این ارگان پی میبرد، - به مخالفت با اهداف فدا انقلابی آنجا آمد بهمین دلیل رفیق را اخراج کردند.

سپس رفیق به زنجان رفت و در دانشسرای راهنما (تربیت معلم) استخدام شد. یکسال از زندگی خود را عاشقانه و فعالانه در خدمت خلق زحمتکش گذراند. در آنجا با رفقای دیگری آشنا شد و یکم رفیق - فعالیت سیاسی چشمگیری را سازمان داد و بهمین دلیل نیز از دانشسرا اخراج شد. رفیق در سال ۵۹ به سر بازی اعزام شد و بعد از گذراندن یک دوره سه ماهه آموزشی به جبهه اعزام شد و در آنجا در تاریخ ۶۰/۶/۲۱ به شهادت رسید. جسد رفیق در تاریخ ۶۰/۷/۱۳ به زادگاهش منتقل شد و طی تشییع جنازه با شکوهی که با شرکت اقشار مختلف مردم برگزار شد بخاک سپرده شد. پادش گرامی باد

## زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد